



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

تدوین نقشه راه پیشبرد روابط اقتصادی ایران و عربستان سعودی



خرداد ۱۴۰۲

شناسنامه گزارش



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

عنوان:

تدوین نقشه راه پیشبرد روابط اقتصادی ایران و عربستان سعودی

مدیریت اقتصاد کلان و آینده پژوهی

تاریخ انتشار: خرداد ۱۴۰۲

واژه‌های کلیدی: رقابت راهبردی، تعامل، تفاهم، همکاری راهبردی، اتحاد، اختلافات ژئوپلیتیک، نقشه راه، چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی، استراتژی توسعه اقتصادی

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، نبش خیابان شهید موسوی (فرصت)، پلاک ۱۷۵

فهرست مطالب

۵	خلاصه کاربردی
۹	مقدمه
۹	مبحث نخست: لایهٔ دوجانبه
۱۹	مبحث دوم: لایهٔ منطقه‌ای
۲۸	مبحث سوم: لایهٔ جهانی
۴۴	جمع‌بندی و توصیه‌های سیاست‌گذاری

خلاصه کاربردی

۱- روابط ایران و عربستان سعودی همواره تحت تاثیر رقابت راهبردی متحول شده است. در یک دهه اخیر رقابت راهبردی دو کشور چنان شدید بود که به قطع روابط رسمی منجر شد و دو کشور مدت زیادی در وضعیت عدم ارتباط قرار داشتند. اکنون نیز تغییر در محاسبات ژئوپلیتیکی دو کشور و نقش آفرینی مدیریتی چین به عنوان قدرتی بزرگ، این رابطه را در مسیر احیا قرار داده است. ایران و عربستان سعودی در شرایطی روابط خود را به صورت حداقلی از سر می‌گیرند که منطقه و جهان دچار تغییرات فزاینده است و دو کشور نیز نسبت به نیات یکدیگر اعتماد کافی ندارند.

۲- اگر روابط کشورها را به چهار مرحله تعامل، تفاهم، همکاری راهبردی و اتحاد تقسیم کنیم، ایران و عربستان سعودی تازه پس از دوره طولانی رقابت حداکثری راهبردی، وارد دوره تعامل شده‌اند. اگر مرحله تعامل به صورت موفقیت آمیزی اجرایی شود، دو کشور وارد مرحله تفاهم خواهند شد، مرحله ای که زمینه ساز همکاری های راهبردی و باثبات می‌شود.

۳- به رغم منافع مشترک راهبردی دو کشور در حوزه اقتصاد و بویژه تنظیم بازار جهانی نفت، این منافع همواره قربانی اختلافات ژئوپلیتیک شده است. دو کشور هیچگاه برای یکدیگر اهمیت اقتصادی نداشته‌اند و شناخت چندانی هم از یکدیگر به لحاظ اقتصادی ندارند. هنوز و در وضعیت کنونی نیز ژئوپلیتیک متغیر تعیین کننده است و آینده روابط اقتصادی به آینده روابط سیاسی بستگی تام دارد.

۴- در چنین فضایی بدیهی است که بر سر تدوین بهترین راهبرد برای پیشبرد روابط اقتصادی دیدگاه های مختلفی وجود دارد، اما بدترین راهبرد «زود و زیاد» خواستن است. بدان معنا که طرف ایرانی در کوتاه مدت انتظار نتایج کلانی داشته باشد و بر مبنای ذهنیات خود پیشنهادهایی برای رسیدن به منافع حداکثری در کوتاه ترین زمان ممکن تدوین کند. این مسیر می‌تواند روند احیای روابط اقتصادی دو کشور را تخریب نماید.

۵- اشاره شد که دو کشور در مرحله تعامل قرار دارند. در این مرحله در سطح «دولت» اقدام بهینه، تدوین «نقشه راه روابط اقتصادی و سیاسی» دو کشور است. توجه به این نکته ضرورت دارد که به لحاظ ساختاری و با توجه به تسلط دولت بر اقتصادهای دو کشور، سیاست و به معنای دقیق تر ملاحظات ژئوپلیتیک تا آینده ای میان مدت متغیر تعیین کننده در شکل دهی به این روابط خواهد بود. بنابراین نقشه راه اقتصادی ضرورتاً باید در راستای نقشه راه سیاسی و تنیده در آن طراحی شود تا همکاری های آینده پایدار بماند. تدوین این نقشه بی شک باید به صورت مشترک انجام شود. ذهنیات و ایده هایی که در فضای کنونی ایران مطرح می‌شود عمدتاً با سکوت طرف عربستانی مواجه است. این ایده ها در فرایند تدوین نقشه راه

باید به بحث گذاشته شود. بنابراین در نخستین گام، در حوزه اقتصادی طرفین می‌توانند کمیته‌های متشکل از بوروکرات‌های اقتصادی و زیرنظر مقامات اقتصادی بلندپایه برای تدوین نقشه راه در بازه زمانی مشخص تشکیل دهند. طرف ایرانی می‌تواند پیشنهادهای خود را در قالب این کمیته به بحث بگذارد.

۶- بخش خصوصی ایران نیز به ناگزیر باید الزامات ژئوپلیتیکی را در محاسبات و برنامه‌های خود در تعامل با عربستان سعودی در نظر گیرد. به طور تاریخی عربستان سعودی از اهرم فشارهای اقتصادی برای پیشبرد اهداف سیاسی یا فشار بر دولت‌های متخاصم بسیار استفاده می‌کند. قطع روابط تجاری با ترکیه و تحریم قطر که بعدها به واسطه احیای روابط سیاسی برطرف شد، نمونه‌های اخیر این راهبردند. بنابراین بخش خصوصی ناگزیر است به موازات گذار یا عدم گذار دولت‌های دو کشور از مراحل چهارگانه تعامل، تفاهم، همکاری راهبردی و اتحاد، برنامه‌های تعاملات اقتصادی خود را تنظیم کند. در وضعیت کنونی بخش خصوصی نیازمند برآوردی دقیق و دست اول از پتانسیل‌های تجارت و همکاری اقتصادی با عربستان سعودی و همچنین چالش‌هاست. این برآورد اکنون در کشور وجود ندارد و عمدتاً ایده‌های کلی مطرح می‌شود. در این راستا پیشنهاد می‌شود هیاتی از اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران با هدف ارائه برآوردی علمی-عملیاتی به صورت روشمند، از پتانسیل‌های تجاری طرفین به عربستان سعودی اعزام شود. دستور کار این هیات باید از دستور کارهای سنتی متفاوت باشد و گزارش آن به عنوان نقشه راه توسعه روابط بخش خصوصی با عربستان سعودی تلقی شود.

۷- در تدوین نقشه راه جدید روابط اقتصادی با عربستان سعودی در دو سطح دولتی و بخش خصوصی باید به مختصات جدید اقتصاد سیاسی و دیپلماسی اقتصادی عربستان که در این گزارش به تفصیل آمده است توجه کرد. همانگونه که در گزارش قبلی اشاره شد، برای نخستین بار در دهه‌های اخیر عربستان سعودی شاهد رهبری جوان است که برنامه‌های بلندپروازانه برای این کشور تدارک دیده است. محمد بن سلمان ۳۷ ساله آمده است تا دهه‌ها رهبری این کشور را در دست داشته باشد و از همین رو برنامه‌های طولانی مدتی در قالب چشم انداز ۲۰۳۰ تدوین کرده و می‌کوشد آنها را اجرایی نماید.

۸- بنابراین عربستان سعودی واجد استراتژی کلان جدیدی است که در قالب آن تلاش می‌کند به کشوری مدرن با اقتصادی متنوع، گشوده به روی جهان و تنیده در زنجیره‌های جهانی ارزش شکل دهد. در راهبرد کلان جدید عربستان سعودی تبدیل شدن به قلب اقتصادی جهان اسلام، تبدیل شدن به کانون جهانی در جذب سرمایه خارجی و نیز کانون جهانی در سرمایه‌گذاری خارجی و نیز بدل شدن به هاب لجستیک میان آسیا، اروپا و آفریقا و تسهیل دسترسی به بازارهای جدید اهمیت و اولویت دارند.

۹- افزون بر این عربستان سعودی برای نخستین بار در دهه های اخیر استراتژی توسعه صنعتی جدیدی را طراحی کرده است. در استراتژی جدید صنعتی عربستان سعودی توسعه این صنایع مورد توجه به واقع شده است:

- تجهیزات و ماشین آلات
- منابع انرژی تجدیدپذیر؛
- تولید دارو؛
- لوازم پزشکی؛
- بخش خودرو؛
- صنایع مرتبط با نفت و گاز؛
- فرآوری مواد غذایی؛
- صنعت هوانوردی؛
- صنایع نظامی

۱۰- ایجاد مناطق ویژه اقتصادی یکی دیگر از راهبردهای مد نظر این کشور برای نیل به اهداف چشم انداز ۲۰۳۰ محسوب می شود. در این قالب توسعه مناطق ویژه اقتصاد در حوزه های مختلف و بخش های متفاوت این کشور مورد توجه قرار گرفته است.

۱۱- بنابراین ایران در شرایطی روابط خود با عربستان سعودی را احیا می کند که این کشور استراتژی توسعه اقتصادی خود را دگرگون کرده است، برنامه های بلندپروازانه ای برای شکل دهی به اقتصادی جدید در دست اجرا دارد و اولویت های جدیدی با محوریت تیندن این کشور در حلقه های بالایی زنجیره های جهانی ارزش در دستور کار دارد.

۱۲- توجه به مختصات جدید اقتصاد سیاسی عربستان سعودی برای تدوین نقشه راه توسعه روابط دو کشور ضرورت دارد. در این راستا ایران می تواند منافع خود را به پیشبرد راهبرد ۲۰۳۰ عربستان سعودی پیوند دهد و در بخش هایی که منافع مشترکی با این کشور دارد پیشنهادهایی به این کشور ارائه نماید.

۱۳- در عالم نظر سه نقش را می توان در دیپلماسی اقتصادی ایران برای عربستان سعودی قائل شد: منبع فناوری، منبع سرمایه و بازار قابل توجه. بدیهی است که عربستان سعودی نمی تواند منبع فناوری باشد، اما این کشور پتانسیل های بسیاری برای ایفای نقش به عنوان سرمایه گذار در اقتصاد ایران دارد و واجد بازار مهمی است. در کوتاه مدت و در شرایطی که دو کشور در مرحله «تعامل» قرار دارند تمرکز باید بر

بازار عربستان سعودی باشد و در تدوین نقشه راه، توسعه روابط تجاری در اولویت قرار گیرد. توسعه تعاملات در حوزه سرمایه‌گذاری در میان مدت و در مرحله «تفاهم» امکان‌پذیر است.

۱۴- اشاره شد که یکی از راهبردهای جدید اقتصاد عربستان سعودی برای نیل به اهداف چشم‌انداز ۲۰۳۰، تبدیل شدن به هاب لجستیک میان آفریقا، اروپا و آسیا است. عربستان سعودی می‌تواند مسیر مناسبی برای دسترسی آسان‌تر ایران به آفریقا باشد. از طرف دیگر ایران می‌تواند از طریق کریدور شمال-جنوب مسیر بهینه و مناسب برای دسترسی عربستان سعودی به اقتصادهای آسیای مرکزی و اقتصاد روسیه باشد. بنابراین دو کشور در حوزه لجستیک دارای منافع مشترکی هستند.

۱۵- در حوزه سرمایه‌گذاری، عربستان سعودی در سال‌های اخیر به بازیگری کلیدی در تامین مالی و سرمایه‌گذاری در خاورمیانه و شمال آفریقا و فراتر از آن بدل شده است. در میان مدت این کشور از توانمندی‌های بسیاری برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران نیز برخوردار است. اما در کوتاه مدت تمرکز بر جذب سرمایه از این کشور احتمالاً به نتیجه نخواهد رسید.

۱۶- در حوزه همکاری‌های صنعتی همانگونه که اشاره شد، تجهیزات و ماشین‌آلات، منابع انرژی تجدیدپذیر؛ تولید دارو؛ لوازم پزشکی؛ بخش خودرو؛ صنایع مرتبط با نفت و گاز؛ فرآوری مواد غذایی؛ صنعت هوانوردی و صنایع نظامی واجد اولویت هستند. بنابراین همکاری‌های صنعتی ایران و عربستان سعودی می‌تواند بر محوریت این صنایع سامان یابد.

۱۷- افزون بر این اشاره شد که ایجاد مناطق ویژه اقتصادی در سال‌های اخیر برای این کشور اولویت یافته است. ایجاد مناطق تجارت آزاد مشترک و مناطق ویژه اقتصادی مشترک را می‌توان به عنوان یکی دیگر از حوزه‌های منافع مشترک دو کشور تلقی کرد.

۱۸- در حوزه آزادسازی تجاری و تجارت نهادینه، اشاره شد که عربستان سعودی علاقه چندانی به مناسبات تجاری دوجانبه ندارد و عمدتاً روابط تجاری خود با کشورها را در قالب سازمان تجارت جهانی و قواعد تجارت آزاد کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به پیش می‌برد. احیای روابط با عربستان سعودی به عنوان مهمترین بازیگر در شورای همکاری خلیج فارس این فرصت بالقوه را برای ایران فراهم می‌آورد تا به تدریج مذاکرات تجارت آزاد با شورای همکاری خلیج فارس را آغاز کند. به دیگر سخن ایران می‌تواند از موقعیت و پتانسیل عربستان سعودی برای پیشبرد تدریجی موافقتنامه جدید تجارت آزاد با کلیت شورای همکاری خلیج فارس بهره‌گیرد.

مقدمه:

احیای روابط با عربستان سعودی مهمترین رخداد سیاست خارجی ایران در ماه‌های اخیر است. به دنبال این رخدادی غیرمنتظره، علاوه بر مباحث و مناظرات در سطوح مختلف پیرامون ابعاد ژئوپولیتیکی، سیاسی و امنیتی این توافق، موجی از خوشبینی برای توسعه روابط اقتصادی با مهمترین همسایه در خلیج فارس شکل گرفته است. هرچند توسعه روابط اقتصادی و سیاسی با عربستان سعودی بی‌شک در راستای منافع ملی و منافع بخش خصوصی است، با این حال باید به خاطر آورد که اولاً روابط سیاسی ضرورتاً به معنای روابط تجاری گسترده نیست (به تجارت ایران با پاکستان و روسیه نگاه کنید) و ثانیاً، پیروی اقتصاد از سیاست با پیچیدگی‌های فراوانی رو به رو بوده و یک فرایند زمان‌بر است. سوابق روابط تجاری عربستان سعودی با ایران پیش از قطع روابط دیپلماتیک بیانگر این مسئله است. به گزارش نهاد ناظر پیچیدگی اقتصادی (OEC) صادرات عربستان سعودی به ایران حد فاصل سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۸ به طور متوسط سالانه ۱۷ درصد کاهش پیدا کرده و در سال ۲۰۱۸ به ۲۴۸ هزار دلار رسیده است. در مقابل، صادرات ایران به عربستان سعودی نیز طی همین بازه زمانی به طور متوسط سالانه ۲۳٫۹ درصد کاهش پیدا کرده و در انتهای این بازه زمانی به ۱۰۴ هزار دلار رسیده است.^۱ با این حال، موج خوشبینی که به دنبال از سرگیری روابط سیاسی میان دو کشور به راه افتاده است،^۲ هرچند می‌تواند یک فاکتور قابل توجه در تغییر روندهای تاریخی تجارت میان دو کشور مورد استفاده قرار گیرد، با این حال توجه به ساختارهای تاریخی و برنامه‌ریزی بر اساس واقعیت‌های تاریخی گریزناپذیر است.

گزارش حاضر با هدف کمک به ارتقای روابط اقتصادی با عربستان سعودی تهیه شده است. این گزارش تلاش می‌کند تا از یک منظر ژئواکونومیک، تصویری اولیه در مورد تعاملات اقتصادی ایران و عربستان سعودی ارائه دهد و در این مسیر، بر متغیرهای نهادی تأکید ویژه‌ای خواهد داشت. در این راستا متغیرهای کلیدی تأثیرگذار بر روابط اقتصادی ایران با عربستان سعودی در سه لایه دوجانبه، منطقه‌ای و جهانی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند و در نهایت توصیه‌های سیاستی ارائه شده‌اند.

مبحث نخست: لایه دوجانبه

در لایه دوجانبه مهمترین مؤلفه‌های شکل‌دهنده به روابط اقتصادی ایران و عربستان سعودی در دو دسته کلی سیاست‌ها و استراتژی‌های دیپلماسی اقتصادی دولت عربستان سعودی (و جایگاه ایران در این راهبردها) و رویکرد و استراتژی‌های اقتصادی ایران در قبال عربستان سعودی تقسیم می‌شود.

1- OEC

۲- به دنبال از سرگیری روابط سیاسی، وزیر مالیه عربستان سعودی مدعی شد که سرمایه‌گذاری عربستان در ایران می‌تواند «بسیار سریع» صورت بگیرد. (رویترز)

احیای روابط با عربستان سعودی پس از دوره ای طولانی از کشمکش و تعارض ژئوپلیتیک میان دو کشور صورت می‌گیرد. در نزدیک به یک دهه ای که از قطع روابط میان دو طرف می‌گذرد، اندک شناختی که در بوروکراسی های دولتی و نیز بخش خصوصی ایران از اقتصاد سیاسی عربستان سعودی و سیاست های تجاری-صنعتی آن وجود داشته تا حدود زیادی از بین رفته است. عربستان هیچ گاه از منظر اقتصادی در ایران مورد توجه و تمرکز نبوده و هیچگاه شریک عمده ای برای ایران محسوب نمی شده است. از همین رو تمرکز دوام داری بر شناخت ویژگی های اقتصادی آن و توسعه روابط با این کشور شکل نگرفته است. در سال های طولانی که از قطع روابط دو کشور می‌گذرد، سیاست های اقتصادی عربستان سعودی متحول شده اند. این کشور در مسیر چشم انداز ۲۰۳۰ می‌کوشد راهبرد کلان گذار از اقتصاد نفتی را پیش ببرد. سیاست های جدید عربستان سعودی به دیپلماسی اقتصادی جدیدی شکل داده اند که شناخت آن برای توسعه روابط ایران با این کشور ضرورت دارد. از همین رو در ادامه ویژگی های کلیدی دیپلماسی اقتصادی این کشور را مورد بحث قرار خواهیم داد.

دو دسته عوامل به دیپلماسی اقتصادی عربستان سعودی شکل می‌دهند. نخست همانگونه که اشاره شد استراتژی کلان این کشور است که تحت عنوان چشم انداز ۲۰۳۰ تدوین شده و اهداف بلندپروازانه ای را دنبال می‌کند. دسته دوم عوامل ناشی از تغییرات در محیط بین المللی است که عربستان سعودی می‌کوشد با این تغییرات تطبیق پیدا کند. در این بخش عوامل داخلی شکل دهنده و دگرگون کننده دیپلماسی اقتصادی عربستان سعودی مورد بحث قرار می‌گیرد.

عربستان سعودی کشوری پادشاهی است که سلسله مراتب قدرت و تصمیم گیری دهه هاست به صورت متمرکز در آن شکل گرفته و تداوم یافته است. از آنجا که در این ساختار دولت مهمترین بازیگر اقتصاد سیاسی است، طبعاً راهبردها را شکل می‌دهد و فضای بازی بخش خصوصی را تعیین می‌کند. طراحی و تصویب چشم انداز ۲۰۳۰ نماد نقش آفرینی تعیین کننده دولت است. چشم انداز ۲۰۳۰ در سال ۲۰۱۶ تصویب شد و به رویکرد کلان اقتصادی عربستان شکل داد. این سند همچنان مبنای سیاستگذاری های کلان دیپلماسی اقتصادی عربستان سعودی است. این سند در واقع یک طرح استراتژیک بلندپروازانه است که برای مدرن سازی و تنوع بخشیدن به اقتصاد عربستان، عمدتاً از طریق کاهش وابستگی به نفت، توسعه منابع درآمدی جایگزین و افزایش مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد طراحی شده است. افزون بر این بهبود کارآمدی نهاد دولت و تبدیل جامعه سعودی به جامعه مدرن و فراگیر^۱ از دیگر اهداف این چشم انداز است. این طرح کلان دارای سه رکن اصلی است:

۱- ارتقای جایگاه عربستان سعودی به عنوان "قلب جهان عرب و اسلام"

۲- تبدیل شدن به یک کانون جهانی جذب سرمایه و سرمایه گذاری

۳- تبدیل شدن به هابی که آسیا، اروپا و آفریقا را به هم متصل می کند^۱

این طرح اهداف و برنامه های قابل سنجش مشخصی را تعیین می کند که تا سال ۲۰۳۰ این کشور باید به آنها دست یابد. در حوزه اقتصادی که در کانون این طرح قرار دارد، ابتکارات متعددی تعریف شده است:

- ایجاد مشاغل بیشتر در بخش خصوصی برای اتباع سعودی

- افزایش مشارکت زنان در نیروی کار

- حمایت از شرکت های کوچک و متوسط

- افزایش سرمایه گذاری در بخش های غیر نفتی مانند انرژی های تجدیدپذیر، صنایع پیشرفته، گردشگری، اوقات فراغت، خرده فروشی، اقتصاد دیجیتال و خدمات مالی

- افزایش محتوای داخلی در تولیدات صنعتی

- خصوصی سازی شرکت های دولتی و خدمات دولتی (مانند بهداشت، آموزش، و مسکن)

- مقررات زدایی از بازار انرژی

- کاهش یارانه انرژی^۲

افزون بر این در قالب استراتژی کلان موسوم به چشم انداز ۲۰۳۰، بهبود فضای کسب و کار برای جذب سرمایه گذاری خارجی و داخلی، از جمله از طریق اعمال دقیق مقررات تجاری بین المللی، تسهیل تجارت، ساده سازی رویه های گمرکی و ایجاد مناطق ویژه برای فعالیت های لجستیکی، گردشگری و صنعتی و مالی نیز در اولویت قرار گرفته اند.

اهداف سیاست تجاری عربستان سعودی در راستای چشم انداز ۲۰۳۰ تعریف شده اند. بر این اساس، به حداکثر رساندن سهم پادشاهی در تجارت بین المللی به منظور تقویت اقتصاد ملی مهمترین هدف محسوب می شود. این کشور به دنبال دستیابی به این هدف از طریق افزایش دسترسی به بازارهای بین المللی برای صادرات کالاها و خدمات غیرنفتی و حمایت از کالاها و خدمات ملی در برابر اقدامات تجاری ناعادلانه

1- <https://www.vision2030.gov.sa/v2030/leadership-message/>

2- <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13530194.2018.1500269?journalCode=cbjm20>

در خارج از کشور است. افزون بر این حمایت از مشارکت بیشتر بخش خصوصی در تجارت خارجی نیز از اهداف کلیدی در افق ۲۰۳۰ است.

عربستان سعودی در راستای تحقق چشم انداز ۲۰۳۰ تغییراتی در ساختار نهادی دیپلماسی اقتصادی خود ایجاد کرده است. در این راستا ساختار جدید پایش جذب سرمایه خارجی ایجاد شده است. افزون بر این تغییر ساختار وزارت نیرو، صنعت و منابع معدنی به وزارت نیرو و وزارت صنعت و منابع معدنی؛ تبدیل سازمان سرمایه گذاری عمومی عربستان سعودی به وزارت سرمایه گذاری و ایجاد اداره کل حفاظت از مالکیت معنوی را می توان به عنوان نمونه های دیگر ذکر کرد.^۱

اشاره شد که در سال های اخیر، تغییرات قابل توجهی در چارچوب نهادی تدوین و اجرای سیاست تجاری عربستان سعودی رخ داد. در این راستا اداره تجارت خارجی (GAFT) در ژانویه ۲۰۱۹ به عنوان یک نهاد عمومی جداگانه تأسیس شد تا کلیه مسئولیت های مربوط به تجارت خارجی را که پیش از این توسط وزارت بازرگانی انجام می شد بر عهده بگیرد. این نهاد در حال حاضر مسئول تمام امور مربوط به سیاست تجاری، از جمله مذاکره در مورد توافقنامه های تجاری بین المللی، اطمینان از پایداری عربستان سعودی به تعهدات خود در سازمان تجارت جهانی و نمایندگی پادشاهی در سازمان تجارت جهانی و سایر سازمان های اقتصادی بین المللی است. در تدوین سیاست تجاری، نهاد تجارت خارجی با وزارتخانه ها و آژانس های مربوطه هماهنگ می شود.

هیئت مدیره GAFT به ریاست وزیر بازرگانی و شامل نمایندگانی از وزارت امور خارجه، وزارت سرمایه گذاری؛ وزارت حمل و نقل؛ وزارت دارایی؛ وزارت محیط زیست، آب و کشاورزی؛ وزارت نیرو؛ وزارت صنعت و منابع معدنی؛ وزارت اقتصاد و برنامه ریزی و سازمان غذا و داروی عربستان سعودی است. GAFT تیم مذاکره کننده سعودی را در مذاکرات تجارت خارجی، از جمله موضوعات مرتبط با سازمان تجارت جهانی، رهبری می کند. این تیم متشکل از روسای تیم های مذاکره کننده فنی در حوزه های کالا، خدمات، سرمایه گذاری، قواعد مبدا، تجارت الکترونیک، مقررات عمومی، حقوق مالکیت معنوی و خرید دولتی است.^۲

نهاد تازه تاسیس اداره کل تجارت خارجی در حال بررسی و تدوین سیاست های جدید در حوزه تجارت خارجی است و در این راستا با بخش خصوصی ارتباطی تنگاتنگ دارد. به بیانی دقیق تر این نهاد وظایف ذیل را در راستای توسعه روابط تجاری عربستان بر عهده دارد:

۱- تدوین خط مشی ها، راهبردها، طرح ها و برنامه های مرتبط با حوزه وظایف خود با هماهنگی مراجع

1- <https://www.policyforum.net/tackling-saudi-arabias-economic-diplomacy-challenges/>

2- <https://gaft.gov.sa/en/about-gaft/pages/vision.aspx>



ذیربط و انجام اقدامات لازم در این خصوص.

۲- نمایندگی پادشاهی در سازمان تجارت جهانی (WTO) و انجام وظایف مرتبط از جمله شرکت در مذاکرات دوجانبه با کشورهایی که به دنبال پیوستن به WTO هستند، با هماهنگی با نهادهای دولتی ذیصلاح، پیگیری اجرای تعهدات عربستان سعودی به سازمان تجارت جهانی، پیگیری اجرای تعهدات کشورهای عضو در قبال سازمان تجارت جهانی، هماهنگی بین نهادهای مختلف عربستان سعودی در حوزه مسائل تجارت بین‌المللی، پیگیری پرونده‌های حل و فصل اختلافات تجاری مربوط به عربستان سعودی در سازمان تجارت جهانی، هماهنگ کردن مواضع با کشورهای همسایه در سازمان تجارت جهانی

۳- نظارت بر وظایف تیم مذاکره‌کننده عربستان سعودی و تیم‌های فنی آن و هماهنگی و تأیید پیشنهادات، مواضع مذاکره و موضوعات مرتبط با سازمان تجارت جهانی (WTO)، موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد و موافقت‌نامه‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی.

۴- فراهم آوردن امکان دسترسی صادرات عربستان سعودی به بازارهای خارجی، گشودن بازارهای جدید برای عربستان سعودی و حل و فصل چالش‌هایی که سیاست تجاری عربستان سعودی در محیط بین‌المللی با آن مواجه است، در هماهنگی با نهادهای دولتی مربوطه.

۵- انجام مأموریت‌ها و مسئولیت‌های مربوط به اقدامات جبرانی و دفاع از منافع عربستان سعودی در سطح محلی و بین‌المللی در این حوزه‌ها

۶- ارائه پیشنهادات در زمینه تعرفه‌های گمرکی و ارجاع آن به مرجع ذیصلاح جهت انجام اقدامات لازم در این خصوص.

۷- مدیریت روابط بین‌المللی عربستان سعودی در زمینه تجارت خارجی با هماهنگی مقامات ذیربط.

۸- نظارت بر رایزنان تجاری

۹- نظارت بر شوراها و تجاری مشترک با سایر کشورها.

۱۰- افزایش آگاهی بخش‌های دولتی و خصوصی در مورد تعهدات عربستان سعودی در تجارت خارجی و همچنین به روز رسانی‌ها و تحولات مربوطه.

۱۱- نمایندگی عربستان سعودی در سازمان‌ها و مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی مرتبط با امور تجارت خارجی

۱۲- برگزاری همایش‌ها، سمینارها و نشست‌ها در حوزه‌های مربوط به وظایف GAFT

۱۳- تهیه مطالعات، تحقیقات و گزارش‌ها، ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی مرتبط با حوزه کاری GAFT و تبادل اطلاعات با نهادهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله مطالعه و تحلیل تأثیر اقتصادی فرصت‌های انعقاد موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد با کشورها و بلوک‌های اقتصادی با هماهنگی با مراجع ذیربط و ارائه آنها به دستگاه‌های ذیربط.

۱۴- پیشنهاد پیش نویس قوانین و مقررات مربوط به وظایف GAFT و اصلاح آنها طبق رویه‌های قانونی این نهاد.

این نهاد استراتژی تجاری عربستان سعودی را به صورت ذیل ترسیم کرده است:

"اداره تجارت خارجی در راستای چشم انداز ۲۰۳۰، در تلاش است تا تجارت خارجی عربستان سعودی را در جهت تسهیل دسترسی صادرکنندگان به بازارهای خارجی سوق دهد. گشودن بازارهای جدید برای محصولات ملی، توسعه قابلیت‌ها در تجارت خارجی با همکاری بخش‌های دولتی و خصوصی و به حداکثر رساندن نقش بخش خصوصی به عنوان یک شریک اساسی در جهت تقویت این مشارکت و توسعه قابلیت‌ها در دستور کار این نهاد قرار دارد. در این راستا سه هدف استراتژیک برای سیاست تجاری عربستان سعودی تعریف شده است: ۱- گشودن بازارهای جدید به روی صادرات عربستان ۲- تقویت تولیدات داخلی از طریق سیاست‌های تجاری متناسب ۳- توسعه قابلیت شرکت‌ها برای تجارت خارجی"^۱

تشکیل سازمان توسعه صادرات عربستان سعودی به عنوان یک نهاد مستقل ملی یکی دیگر از تحولات مهم در ساختار نهادی دیپلماسی اقتصادی این کشور است. این نهاد از سه طریق به تنوع بخشی به صادرات عربستان سعودی کمک می‌کند:

۱- کمک به افزایش آمادگی صادراتی شرکت‌های کوچک و متوسط

۲- ایجاد فرصت برای کسب و کارهایی که آمادگی صادرات کالا یا خدمات دارند

۳- افزایش کارآمدی اکوسیستم تجاری و تسهیل دسترسی به بازارهای بین‌المللی

نهاد توسعه صادرات عربستان سعودی کمک‌های اداری، فنی و مشاوره‌ای برای بازاریابی صادرات و جذب سرمایه‌گذاران خارجی ارائه می‌کند. همچنین با نمایندگان تجاری خارج از کشور و اتاق‌های بازرگانی برای شناسایی بهترین شیوه‌های صادراتی، ایجاد فرصت‌های جدید برای صادرکنندگان و بهبود فضای صادراتی همکاری می‌کند.^۲ بخش خصوصی با ارائه ورودی‌ها و بازخوردها، مستقیماً به GAFT یا از طریق

1- <https://gaft.gov.sa/en/about-gaft/Pages/vision.aspx>

2- <https://www.saudiexports.gov.sa/en/eservices/FND>

شورای اتاق‌های عربستان سعودی که شامل ۲۸ اتاق بازرگانی و صنعت است، به نمایندگی از بخش‌ها و مناطق مختلف در سراسر کشور، در تدوین سیاست تجاری مشارکت می‌کند.

افزون بر سیاست تحاری، سیاست صنعتی عربستان سعودی نیز در سال‌های اخیر در راستای اهداف چشم انداز ۲۰۳۰ دچار تحول شده است. از منظر دولت عربستان سعودی، یک بخش تولیدی پویا، رقابتی، پایدار و صادرات محور برای تحقق چشم‌انداز ۲۰۳۰ به عنوان محرک اصلی برای جذب سرمایه خارجی، توسعه نوآوری، ایجاد مشاغل با کیفیت بالاتر و صادرات غیرنفتی ضروری است. در این راستا، برنامه ملی توسعه صنعتی به عنوان یکی از ارکان تحقق چشم انداز ۲۰۳۰ در ۲۰۱۹ تصویب شد.^۱

در قالب این سند "موج دوم توسعه صنعتی" یا "موج دوم رشد" صنعتی این کشور باید همراه با چشم انداز ۲۰۳۰ شکل گیرد. در قالب این سند رشد صنعتی باید بر مجموعه‌ای متنوع از بخش‌هایی متمرکز شود که دارای مزیت رقابتی پایدارند، بخش خصوصی باید روند رشد را رهبری کند و دولت نقش توانمندساز و ظرفیت ساز را ایفا نماید، رشد صنعتی باید منافع اجتماعی-اقتصادی روشنی را از نظر سهم آن در تولید ناخالص داخلی و اشتغال ایجاد کند. در این راستا سیاست صنعتی جدید با تمرکز بر ۹ بخش تدوین شده است:

۱- تجهیزات و ماشین آلات

۲- منابع انرژی تجدیدپذیر؛

۳- تولید دارو؛

۴- لوازم پزشکی؛

۵- بخش خودرو؛

۶- صنایع مرتبط با نفت و گاز؛

۷- فراوری مواد غذایی؛

۸- صنعت هوانوردی؛

۹- صنایع نظامی^۲

1-<https://www.arabianbusiness.com/gcc/saudi-arabia/saudi-arabia-industries/saudi-arabia-launches-new-industrial-strategy-exports-to-reach-148-billion#:~:text=The%20new%20industrial%20strategy%20is,investment%20opportunities%20worth%20SAR1%20trillion.>

2- <https://www.vision2030.gov.sa/v2030/vrps/nidlp/>

علاوه بر این، عربستان سعودی به منظور استفاده از موقعیت جغرافیایی کشور و تبدیل آن به یک هاب لجستیکی منطقه‌ای، در نظر دارد زیرساخت‌های حمل و نقل خود را در داخل و اتصالات با محیط همسایگی را از طریق مشارکت عمومی و خصوصی تکمیل و بهبود بخشد. در چشم‌انداز ۲۰۳۰ اولویت اصلی تقویت و گسترش ارتباط متقابل و یکپارچگی اقتصادی کشور با سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (GCC) با تکمیل اجرای بازار مشترک شورای همکاری خلیج فارس، یکپارچه کردن گمرکات و سایر سیاست‌های اقتصادی و اتصال شبکه‌های راه‌آهن و راه کشورهای خلیج فارس است.^۱

از همین رو عربستان سعودی در حال انجام پروژه‌های عظیم زیرساختی است، نماد این پروژه‌ها ایجاد شهر جدید NEOM که در واقع یک منطقه ویژه اقتصادی با سرمایه‌گذاری ۵۰۰ میلیارد دلاری است می‌باشد. این شهر به عنوان یک شهر پست مدرن و قرن بیست و یکمی در حال ساخت است و نماد تلاش‌های این کشور برای تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی غیرنفتی به شمار می‌آید. تامین مالی پروژه‌های بزرگ و سایر برنامه‌های چشم‌انداز ۲۰۳۰ از طریق صندوق سرمایه‌گذاری عمومی (PIF) و صندوق ثروت دولتی کشور مدیریت می‌شود.^۲

افزون بر این برنامه توسعه بخش مالی (FSDP)، که بخشی از چشم‌انداز ۲۰۳۰ است، با هدف شکل‌دهی به یک بخش مالی قوی، مبتکر و باثبات، قادر به حمایت از رشد بخش خصوصی از طریق وام‌دهی، خدمات جدید، و بازار سرمایه پیشرفته و در عین حال امکان‌پذیری برنامه ریزی مالی در جامعه تعریف شده است. در بخش بانکی، بانک مرکزی چارچوب نظارتی را در حوزه‌های حاکمیتی و شفافیت مانند قانون جدید مبارزه با پولشویی و مقررات احتیاطی توسعه داده است. چارچوب‌های تداوم کسب‌وکار و امنیت سایبری و آیین‌نامه رفتار و اخلاق کاری در مؤسسات مالی تدوین شده است.^۳

عربستان سعودی در راستای پیشبرد دیپلماسی اقتصادی خود در سال‌های اخیر کوشیده تا ساختارهای سخت و نرم تسهیل‌کننده تجارت خارجی را توسعه بخشد. این کشور در حوزه رویه‌های گمرکی در سال‌های اخیر اصلاحات مهمی را صورت داده است، به گونه‌ای که جایگاه آن در شاخص تجارت فرامرزی به عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی گزارش فضای کسب و کار بانک جهانی از رتبه ۱۵۰ در سال ۲۰۱۶ به رتبه ۸۶ در سال ۲۰۲۰ ارتقا یافته است.^۴

در این دوره به ویژه زمان و هزینه واردات به عربستان سعودی و صادرات از این کشور نسبت به میانگین

1- <https://mot.gov.sa/en/AboutUs/Pages/Logisticsplatform.aspx#:~:text=Saudi%20Arabia's%20insistence%20to%20become,the%20population%20in%20this%20area>

2- <https://www.pif.gov.sa/>

3- <https://www.vision2030.gov.sa/v2030/vrps/fsdp/#:~:text=The%20Financial%20Sector%20Development%20Program,stimulate%20savings%2C%20finances%20and%20investments>

4- <https://www.worldbank.org/en/programs/business-enabling-environment>

منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا کمتر شده است که تحولی قابل توجه نسبت به گذشته در رویه های گمرکی عربستان سعودی محسوب میشود.

در سطح کلان از زمان اجرایی شدن اتحادیه گمرکی شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۰۳ رویه های گمرکی میان کشورهای عضو شورای همکاری از جمله عربستان سعودی یکسان بوده است. البته هر کشوری ممکن است فهرست خود را از محصولات ممنوعه و محدودیت های وارداتی تعیین کند، اما اعضا در حال ایجاد یک لیست مشترک از محصولات ممنوعه یا محدودیت های وارداتی اند.

به لحاظ اعمال تعرفه ها بر واردات، عربستان سعودی به عنوان عضو سازمان تجارت جهانی و عضوی از موافقتنامه تجارت آزاد کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، در قالب قواعد این نهادها نرخ های تعرفه را اعمال می نماید.

تعرفه های ترجیحی به کشورهایی اعطا می شود که عربستان سعودی با آنها موافقت نامه تجارت آزاد دارد. به استثنای واردات الکل، گوشت خوک و محصولات مرتبط با گوشت خوک که به دلایل مذهبی ممنوع شده اند، واردات از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس و اعضای منطقه آزاد پان عرب بدون عوارض گمرکی صورت می گیرد. بعلاوه عربستان سعودی از صادرات کشورهای توسعه نیافته به بازار این کشور عوارضی دریافت نمی کند.^۱

یکی دیگر از اقداماتی که در سال های اخیر و در راستای توسعه اقتصاد غیرنفتی در دیپلماسی اقتصادی عربستان سعودی مورد توجه قرار گرفته است ارائه مشوق ها و حمایت های صادراتی است. در این راستا بانک صادرات و واردات عربستان سعودی (EXIM) توسط شورای وزیران در سال ۲۰۱۹ ایجاد شد و در سال ۲۰۲۰ با سرمایه ۳۰ میلیارد ریال سعودی برای تقویت صادرات و حمایت از پروژه های صنعتی و معدنی عملیاتی شد. در فوریه ۲۰۲۰، هیئت وزیران آیین نامه EXIM بانک را تصویب کرد. در قالب این آیین نامه اهداف بانک به صورت ذیل دسته بندی شده اند:

۱- توسعه صادرات عربستان سعودی همراه با تنوع و رقابت پذیری آنها

۲- تامین مالی صادرات، ارائه ضمانت های صادراتی، ارائه خدمات بیمه اعتباری بر مبنای نرخ های تجاری؛

۳- افزایش اعتماد به صادرات عربستان سعودی، حمایت از نفوذ آنها به بازارهای جدید و کاهش ریسک عدم پرداخت

۴- تسهیلات اعتبار صادراتی^۱

یکی دیگر از اقدامات دیپلماسی اقتصادی عربستان سعودی در راستای توسعه تجارت این کشور با جهان خارج، برنامه صادرات عربستان سعودی (SEP) است که هدف آن تنوع بخشیدن به صادرات غیرنفتی از طریق تأمین مالی برای صادرکنندگان یا واردکنندگان سعودی کالاهای غیرنفتی است. برنامه صادرات عربستان سعودی معاملات تجاری را از طریق بانک‌های داخلی و خارجی تسهیل می‌کند و ارزیابی و طبقه‌بندی خود را از ریسک سیاسی و تجاری بازارها ارائه می‌دهد. تأمین مالی ارائه شده توسط برنامه صادرات سعودی شامل امور مالی و خدمات بیمه اعتباری است. برنامه صادرات عربستان سعودی ممکن است تا ۱۰۰٪ ارزش معامله را تسهیلات مالی ارائه کند. حداکثر دوره بازپرداخت تسهیلات برای کالاهای مصرفی و مواد اولیه دو سال، برای کالاهای مصرفی بادوام و نیمه سرمایه‌ای هفت سال و برای کالاهای سرمایه‌ای و بادوام یا سایر طرح‌های بلندمدت ۱۵ سال است. علاوه بر برنامه صادرات عربستان سعودی، شرکت اسلامی برای بیمه سرمایه‌گذاری و اعتبار صادراتی (ICIEC) خدمات بیمه اعتبار صادراتی را به کشورهای عضو از جمله عربستان سعودی ارائه می‌دهد.

ایجاد مناطق ویژه اقتصادی یکی دیگر از مولفه‌های کلیدی چشم‌انداز ۲۰۳۰ و برنامه توسعه صنعتی و لجستیک ملی عربستان سعودی است. مناطق ویژه اقتصادی بخشی از تلاش‌های عربستان سعودی برای جذب سرمایه خارجی و تنوع بخشیدن به اقتصاد نفتی را تشکیل می‌دهند. SEZ های آینده‌نگر در عربستان سعودی انگیزه‌هایی را در مکان‌های رقابتی برای بخش‌های "امیدبخش"، به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات، گردشگری و خدمات مالی فراهم می‌کنند. SEZ ها همچنین از شرکت‌های چند ملیتی در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها از جمله انبارداری و تکمیل، مدیریت موجودی، نگهداری و تعمیرات، مرحله بندی، آزمایش و مونتاژ پشتیبانی می‌کنند.

در حوزه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز عربستان در سال‌های اخیر تحولات مهمی به خود دیده است. یکی از اهداف کلیدی چشم‌انداز ۲۰۳۰، ترویج و تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی و افزایش سهم آن در تولید ناخالص داخلی از ۳٫۸ درصد در ۲۰۲۱ به ۵٫۷ درصد در ۲۰۳۰ است. بخش‌هایی که به‌عنوان حوزه‌های اولویت‌دار برای سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی شناسایی شده‌اند عبارتند از:

۱- حمل‌ونقل و لجستیک

۲- فناوری اطلاعات و ارتباطات

۳- سلامت و بیوتکنولوژی؛

۴- آموزش و پرورش

۵- گردشگری

۶- صنعت سرگرمی

۷- صنعت و معدن

۸- انرژی‌های تجدید پذیر

سرمایه‌گذاری خارجی عملاً در همه بخش‌های اقتصاد به جز برخی از فعالیت‌های مشخص شده در لیست منفی مجاز است. الزامات مجوز سرمایه‌گذاری خارجی بسته به بخش و نوع سرمایه‌گذاری متفاوت است. اما در سال‌های اخیر طیفی از الزامات کاهش یا حذف شدند.

مبحث دوم: لایه منطقه‌ای

در لایه دوم که لایه منطقه‌ای نام‌گذاری شده است، مهمترین مؤلفه‌های شکل‌دهنده در دو دسته کلی تعریف می‌شوند: ترتیبات منطقه‌ای اقتصادی با عضویت مؤثر ایران و ترتیبات اقتصادی با عضویت مؤثر عربستان سعودی. در این گفتار، ابتدا مروری بر سازمان‌ها و موافقت‌نامه‌های منطقه‌ای با ماهیت تجاری که عربستان سعودی در آنها حضور دارد صورت گرفته و سپس به سازمان‌ها و موافقت‌نامه‌های تجاری با حضور ایران پرداخته می‌شود. در بخش نخست، به طور مشخص شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه تجاری پان‌عربی "گفتا" مورد بررسی قرار می‌گیرند. بخش دوم نیز به ترتیب به حضور ایران در پیمان شانگهای، اکو و دی ۸ اختصاص پیدا خواهد کرد.

الف) عربستان سعودی و ترتیبات اقتصادی منطقه‌ای

عربستان سعودی معتقد است که موافقت‌نامه‌های تجاری منطقه‌ای مقوم و مکمل نظام تجاری چندجانبه هستند و کمک می‌کنند همگرایی اقتصادی عربستان سعودی با نظام جهانی به شکل عمیق‌تری محقق شود. این کشور به لحاظ منطقه‌ای در دو سازمان تجاری عضو است: پفتا و شورای همکاری خلیج [فارس].

پفتا

نخستین مورد، که به نسبت از اهمیت کمتری برخوردار است، پفتا یا منطقه آزاد تجاری پان‌عربی^۱ است.

1- Pan-Arab Free Trade Area (PAFTA)

پفتا یا گفتا^۱ یک شورای اقتصادی و اجتماعی دارد که شامل نمایندگان دولت‌های عربی بوده و مهم‌ترین نهاد برای اجرای موافقت‌نامه تجارت آزاد است و از سال ۲۰۰۵ بر رفع اکثریت موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای برای تجارت میان اعضا نظارت می‌کند. محصولات کشاورزی شامل این موافقت‌نامه نمی‌شوند ولی اخیراً مذاکرات درباره تجارت خدمات نیز میان اعضا به نتیجه رسیده است.^۲

شورای همکاری خلیج [فارس]:

مهم‌ترین نهاد اقتصادی منطقه‌ای که عربستان سعودی در آن عضویت دارد، شورای همکاری خلیج [فارس] است که این کشور یکی از شش عضو آن و پایتخت این کشور نیز مقر دائمی این شورا به شمار می‌رود. شورای همکاری که از سال ۱۹۸۱ تأسیس شده است، پیشبرد همگرایی منطقه‌ای و همکاری در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مهم‌ترین دستور کار خود قرار داده است و هرچند همزمان یک هویت ژئوپولیتیکی نیمه رسمی دارد، با این حال عمده فعالیت‌های آن بین اعضا متمرکز بر تقویت پیوندهای کشورهای عضو، توسعه ارتباطات و قاعده گذاری مشترک در حوزه‌های تجارت، صنعت، سرمایه گذاری، بازار مالی و ارتباطات، و تقویت پیشرفت علمی و فناورانه بوده است.

مبنای همگرایی اقتصادی کشورهای شورای همکاری، موافقت‌نامه اقتصادی مصوب ۱۹۸۱ است که ایجاد منطقه تجارت آزاد میان کشورهای عضو را به عنوان نخستین گام برای همگرایی تعیین کرد. بر این اساس، در سال ۱۹۸۳ «منطقه تجارت آزاد شورای همکاری خلیج [فارس]» تأسیس شد و کالاهای با مبدأ کشورهای عضو، در تجارت‌های دوجانبه از تعرفه معاف شد. این موافقت‌نامه در سال ۲۰۰۱ مورد بازنگری اساسی قرار گرفت و در رأس این بازنگری‌ها، تأسیس یک نهاد گمرکی واحد میان کشورهای عضو بود. عربستان سعودی و دیگر اعضای شورا از سال ۲۰۰۳ قانون گمرکی واحد را اجرایی کردند و افزون بر آن، یک نظام تعرفه خارجی مشترک (CET) نیز از آن زمان در تجارت میان اعضا جاری است که نرخ تعرفه‌های مبتنی بر ارزش آن برای بیشتر خطوط تعرفه‌ای از ۰ تا ۵ درصد بوده است. اتحادیه گمرکی مشترک شورای همکاری در سال ۲۰۱۵ به صورت کامل و نهایی عملیاتی شد. در حال حاضر، این نظام تعرفه‌ای مشترک مهم‌ترین مرجع تنظیم تجارت خارجی کشورهای عضو به شمار می‌رود و تنها مسئله مورد تفاوت، ردیف کالاهای ممنوعه است که کشورهای عضو، کماکان حق خود برای انتشار فهرستی از ردیف کالاهایی که واردات آنها محدود یا ممنوع است را حفظ کرده و این کار را به طور متناوب انجام می‌دهند.

نهاد دیگری که در ارتباط با شورای همکاری خلیج فارس وجود دارد، بازار مشترک خلیج [فارس] (GCM) است که رسماً از سال ۲۰۰۸ آغاز به کار کرده است و تلاش می‌کند به برابری میان شهروندان اعضای

1- Greater Arab Free Trade Area

2- Saudi Arabia Trade Policy Review by WTO Secretariat, p. 32

شورای همکاری در ده حوزه اقتصادی دست پیدا کند. این امر به ویژه متضمن آزادی حضور شهروندان هر کدام از کشورهای عضو در فعالیت های اقتصادی، سرمایه گذاری و مالکیت در هر کدام از دیگر کشورها است. مجموعه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس شامل ۵۶ میلیون شهروند است که این بازار مشترک تلاش دارد تا با تهیه قوانین و زیرساخت های مناسب، شرایط را برای آزادی جابه جایی، کار، اقامت و مالکیت مستقلات برای تمام این شهروندان در سرتاسر حوزه شورای همکاری فراهم ساخته و با همگرایی در حوزه سرمایه و بازار مالی و پولی امکان فعالیت اقتصادی برابر برای همه فعالان اقتصادی کشورهای عضو را به صورت یکسان پدید بیاورد. از جمله بخش های این بازار مشترک، نظام پولی واحد است که مقدمات قانونی آن از سال ۲۰۰۹ توسط چهار عضو شورا، عربستان سعودی، کویت، بحرین و قطر امضا شده ولی تا به امروز یک ارز واحد مانند اتحادیه اروپا برای آن تعیین نشده و اعضا در حال کار بر روی آن هستند.

با این حال، طی بیست و اندی سال که از شروع همگرایی اقتصادی به طور جدی در این مجموعه می گذرد، پیشرفت های زیادی در برخی از دیگر حوزه ها صورت گرفته است. همکاری ها در حوزه های کشاورزی، انرژی، ارتباطات و حمل و نقل تا همین حالا هم به سطح بالایی ارتقا پیدا کرده است. همچنین، در حوزه همگرایی نرم و در حوزه قانون گذاری در بخش هایی مانند قوانین استاندارد واحد، قانون گذاری واحد تجاری، نظام تعرفه ای و نظام گمرکی که در بالا به آن اشاره شد، پیشرفت ها ملموس و در سطح بالایی بوده است. از جمله دیگر حوزه های پیشرو در این قالب می توان به نهادهای موازی در قالب شورای همکاری خلیج فارس اشاره کرد. مهمترین این نهادها که به همگرایی تجاری کشورهای عضو بعد جدید بخشیده است عبارتند از: سازمان سرمایه گذاری خلیج [فارس]^۱، دبیرخانه فنی ضد دامپینگ^۲، سازمان استاندارد شورای همکاری خلیج [فارس]^۳، مرکز دآوری تجاری^۴، دفتر اختراعات^۵ و دفتر فنی ارتباطات مخابراتی^۶.

در دهه ۱۳۸۰ دولت ایران گفتگوهای را برای آغاز مذاکرات در مورد موافقت نامه تجارت آزاد با شورای همکاری خلیج فارس را مطرح و دو طرف این مسئله را در دستور کار قرار دادند. در سال ۱۳۸۶، عبدالرحمان العطیه، دبیر کل وقت شورای همکاری تأیید کرد که پیشنهادی از سوی ایران مبنی بر آمادگی این کشور برای انعقاد پیمان تجارت آزاد با شورای همکاری رسیده است و مدعی شد که در نشست شورای همکاری، این مسئله مورد توافق کلی قرار گرفته و برای آغاز مذاکرات به کمیته های همکاری اقتصادی و مالی

1- Gulf Investment Organization

2- Technical Secretariat for Anti-Dumping

3- GCC Standardization Organization

4- Commercial Arbitration Centre

5- Patents Office

6- Technical Office for Telecommunications

ارجاع داده شده است.^۱ در این بازه زمانی، حتی یکی دیگر از مقامات شورای همکاری در مصاحبه ای گفت که کار بررسی های آماری و اقتصادی روابط تجاری دوجانبه آغاز شده تا بر این مبنای زمانی برای مذاکرات تعیین شود.^۲ با این حال، مدتی بعد این بحث بسته شد و مذاکرات دوجانبه به حالت تعلیق در آمد که تا به امروز که فرصت دوباره ای برای آن به وجود آمده، ادامه داشته است. چند عامل عمده سبب بن بست این روند شد که می توان از این جمله به تحریم های بین المللی علیه ایران در سال های بعدی، تنش های برآمده از برنامه هسته ای ایران با جامعه بین الملل و نیز کشورهای عضو شورای همکاری و نیز فشارهای بین المللی از سوی ایالات متحده برای جلوگیری از خروج ایران از انزوا اشاره کرد.^۳

در هر حال، انسداد مذاکرات بلوکی میان شورای همکاری خلیج فارس و کشورها از اواخر دهه ۲۰۰۰ سبب شده است تا در موارد متعددی به ویژه در مورد امارات متحده عربی، برخی از اعضا به مذاکرات دوجانبه برای موافقت نامه تجارت آزاد رو بیاورند که مهمترین نتیجه آن، موافقت نامه تجارت آزاد میان امارات متحده عربی و هند در سال ۲۰۲۲ بود. همچنین، ایالات متحده با اغلب اعضای شورا موافقت نامه های تجاری دارد (تجارت آزاد با بحرین و عمان و تجارت محدود با عربستان سعودی). عربستان سعودی از سال ۲۰۰۳ یک موافقت نامه تجاری با ایالات متحده دارد که TIFA نامیده می شود و موافقت نامه اصولی تجارت و سرمایه گذاری است. این موافقت نامه با هدف بهبود حمایت قانونی از سرمایه گذاران، حمایت از حقوق مالکیت معنوی، افزایش کارایی رویه های گمرکی و افزایش شفافیت در قانون گذاری حوزه تجاری صورت گرفته است. سند چشم انداز ۲۰۳۰ گسترش شبکه موافقت نامه های تجارت آزاد پادشاهی عربستان سعودی را در دستور کار قرار داده است.^۴

توجه به جایگاه شورای همکاری خلیج فارس در فهم نظام اقتصادی عربستان سعودی بسیار مهم است. اساساً شورای همکاری محور تجاری-اقتصادی تمام کشورهای عضو به شمار می آید و نه تنها به لحاظ قانونی و نهادی ترتیبات اقتصادی-تجاری در پیش گرفته شده توسط این نهاد لازم الاجرا است، بلکه به دلیل موفقیت و کارآمدی این نهاد عموماً کشورهای عضو (تنها استثناء امارات است) روابط تجاری خود و به ویژه مذاکرات تجاری خود را از مسیر آن در پیش می گیرند. بنابراین، موافقت نامه های تجارت ترجیحی یا آزاد دوجانبه در مواردی در پیش گرفته شده است که مذاکرات از طریق شورای همکاری به نتایج دلخواه نرسیده است. این امر در مورد عربستان سعودی که به عنوان بزرگترین کشور و محور شورای همکاری، به طور مشخص تری صدق می کند و این کشور هیچ موافقت نامه تجارت آزاد دوجانبه ای ندارد. افزون بر

۱- فارس خبرگزاری فارس | شورای همکاری خلیج فارس با مذاکره قرارداد تجارت آزاد با ایران موافقت کرد (farsnews.ir)

۲- فارس

۳- فارس



این، بلوک‌های تجاری به لحاظ نهادمندی و قاعده‌مندی هزینه و زمان ترتیبات تجاری را کاهش می‌دهند و این امر، یک امتیاز مهم برای همگرایی‌های اقتصادی منطقه‌ای است. از سوی دیگر، عربستان رانۀ سیاسی اصلی شورای همکاری است و بنابراین دیگر اعضا از روندهای سیاسی منطقه‌ای که این کشور در پیش گرفته است، اصولاً همراهی می‌کنند.

با عنایت به نکات بالا، به نظر می‌رسد گشایش مذاکرات تجاری با شورای همکاری خلیج فارس بایستی یکی از اولویت‌های اصلی دولت و بخش خصوصی برای گسترش مناسبات اقتصادی و تجاری با عربستان سعودی باشد. رویکرد سیاست‌گذاران سعودی به منطقه در حال دگرگونی از رویکرد ژئوپولیتیک به یک رویکرد ژئواکونومیک است و حتی تنش‌زدایی با ایران هم از همین منظر قابل تحلیل است. همچنین، روندهای چند ماه اخیر و نیز گزارش‌های غیررسمی حاکی از آن است که دیگر کشورهای شورای همکاری در مورد تنش‌زدایی با ایران هم‌داستان هستند و از عربستان سعودی پیروی خواهند کرد.^۱ پیوند میان تجارت و ثبات پایدار از نظر کشورهای عضو یک اصل اساسی است و بنابراین، در هر حال برای گسترش پایدار روابط تجاری-اقتصادی با ایران برنامه دارند. به لحاظ جغرافیایی و ژئواکونومیک نیز ایران یک شریک تجاری طبیعی برای شورای همکاری به شمار می‌رود. در نتیجه و با توجه به سوابق مذاکرات ایران و شورای همکاری برای موافقت‌نامه تجارت آزاد، یکی از محورهای پژوهش حاضر توصیه بر فتح باب جدید در این حوزه است.

ب) ایران و ترتیبات اقتصادی منطقه‌ای

عضویت ایران در سازمان‌های تجاری منطقه‌ای از سال‌های دور مورد توجه قرار گرفته است، ولی بنا بر دلایل مختلف تأثیر محدودی بر روابط تجاری کشور با همسایگان داشته است. با نگاهی به تاریخ عضویت و همکاری ایران در سازمان‌های بین‌المللی، می‌توان سه سازمان منطقه‌ای که به نوعی پتانسیل‌هایی برای مرتبط شدن با تجارت ایران و عربستان سعودی دارند برشمرد: اکو، پیمان شانگهای و دی ۸. در این بخش، مروری بر عضویت ایران در هر کدام از این سازمان‌ها و ظرفیت‌های آنها برای توسعه روابط تجاری با عربستان سعودی خواهیم داشت.

عضویت ایران در سازمان‌های تجاری منطقه‌ای از سال‌های دور مورد توجه قرار گرفته است، ولی بنا بر دلایل مختلف تأثیر محدودی بر روابط تجاری کشور با همسایگان داشته است. با نگاهی به تاریخ عضویت و همکاری ایران در سازمان‌های بین‌المللی، می‌توان سه سازمان منطقه‌ای که به نوعی پتانسیل‌هایی برای مرتبط شدن با تجارت ایران و عربستان دارند برشمرد: اکو، پیمان شانگهای و دی ۸. در

1- Arab Center: The GCC is Onboard with the Saudi-Iran Agreement

این بخش، مروری بر عضویت ایران در هر کدام از این سازمان‌ها و ظرفیت‌های آنها برای توسعه روابط تجاری با عربستان سعودی خواهیم داشت.

پیمان شانگهای

پیمان شانگهای یک سازمان منطقه‌ای اوراسیایی است که از سال ۱۹۹۶ و ابتدا به عنوان یک اتحادیه سیاسی-امنیتی توسط چین، روسیه و تعدادی از جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی (قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان) تأسیس شد که با عنوان شانگهای ۵ شناخته می‌شد. در سال ۲۰۰۱ با پیوستن ازبکستان به این مجموعه، پیمان شانگهای با اهداف و رویکردهای جدید و جامع تر متولد شد. در سال ۲۰۱۷ هند و پاکستان نیز به این پیمان پیوستند و کشورهایی از جمله ایران، بلاروس و مغولستان به عنوان اعضای ناظر به آن پیوسته و ایران در سال ۲۰۲۲ به عنوان عضو کامل به این سازمان اضافه شد. در حال حاضر پیمان شانگهای ۶۰ درصد مساحت اوراسیا، ۴۰ درصد از جمعیت جهان و ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را شامل می‌شود.^۱

ایران از همان ابتدای عضویت، در کنار نگاه ژئوپلیتیکی و امنیتی، رویکردی اقتصادی نیز به سازمان شانگهای داشته و مقامات کشور پیشنهاد دادند که تجارت آزاد در قالب سازمان شانگهای دنبال شود. در همین راستا، طی پنج ماه نخست سال ۱۴۰۱، نخستین سال عضویت ایران در این سازمان، تجارت کشور با اعضای شانگهای ۳۱ درصد رشد پیدا کرد و به ۱۷ میلیارد دلار رسید.^۲ عضویت ایران در شانگهای چند فرصت جدید برای اقتصاد کشور ایجاد کرده و چند محدودیت نیز به همراه داشته است. مهمترین محدودیت‌های ایران در بهره‌گیری از فرصت‌های تجاری پیمان شانگهای تقریباً معادل با همان محدودیت‌هایی است که کشور در بهره‌گیری اقتصادی از دیگر فرصت‌های اقتصادی و بین‌المللی با آنها مواجه است: تحریم، زیرساخت‌های ضعیف و فرسوده، فقدان سیاست‌گذاری منسجم، به روز و هدفمند و تهدید غلبه نگاه ژئوپلیتیکی بر نگاه ژئواکونومیک به پیمان شانگهای، مهمترین محدودیت‌هایی هستند که ارتباط اقتصادی ایران با شانگهای را تعریف می‌کنند. از سوی دیگر، پیوند به بازارهای منطقه ای و بین‌المللی، گشایش کانال‌های مالی جدید، تشکیل بازارهای انرژی منطقه ای و توسعه ظرفیت‌های ترانزیتی از فرصت‌هایی است که پیمان شانگهای برای کشور به همراه می‌آورد.^۳

ایران در حوزه اقتصادی هنوز باید شش سند را برای همکاری‌های اقتصادی در قالب سازمان امضا کند که از این میان سه سند در حوزه گمرکی، یک سند در حوزه بانکی و دو سند در حوزه زیرساخت‌های سخت

1-Iran looks east after China-led bloc OKs entry". France 24. 18 September 2021. Retrieved 14 July 2022

۲-دنیای اقتصاد

۳- مصاحبه دنیای اقتصاد با فعالان اقتصادی اتاق بازرگانی و رئیس سازمان توسعه تجارت



و نرم است. با این حال، پس از تکمیل فرایند عضویت این سازمان امکانات چشمگیری برای اقتصاد ایران به همراه خواهد آورد. پتانسیل‌های مستقیم تجاری-اقتصادی شانگهای چندان وسوسه‌برانگیز نیستند و به‌عنوان مثال، امکانات مالی آن محدود است و تا کنون در قالب سازمان همکاری‌های شانگهای در مجموع اعتبارات بانکی ۶۰ پروژه به ارزش تنها ۱۰ میلیارد دلار تأمین اعتبار شده‌اند. با این حال، عواید غیرمستقیم و میان‌مدت-بلندمدت آن برای کشور چشمگیر هستند. نفس عضویت در سازمان نیرومندی که در پهنه اوراسیا در حال گسترش است، اوراسیایی که اهمیت آن در اقتصاد جهانی رو به افزایش است، پرستیژ بالایی برای کشور به همراه می‌آورد و نقش مهمی برای خروج آن از انزوای بین‌المللی ایفا می‌کند. همچنین، این مجموعه زمینه ساز قاعده مندی حداقلی سیاست تجاری ایران می‌شود؛ امری که تا کنون در حوزه سیاست تجاری ایران سابقه جدی نداشته و تأثیر اقتصادی در میان مدت و بلند مدت آشکارتر خواهد شد.^۱

از جمله نکاتی که در ارزیابی پتانسیل‌های سازمان همکاری‌های شانگهای باید به آن توجه داشت، باشگاه انرژی این سازمان است. باشگاه انرژی سازمان همکاری‌های شانگهای که ایده آن از سال ۲۰۰۵ توسط روسیه مطرح شده است، هرچند در طول دو دهه اخیر به اهداف جاه طلبانه‌ای که داشته نرسیده، با این حال موفق شده است تا در دو حوزه همکاری‌های هسته‌ای و نیز توسعه ظرفیت‌های تولید و مصرف انرژی‌های فسیلی موفقیت‌هایی را به نمایش بگذارد.^۲ فعال‌تر شدن این باشگاه با حضور ایران می‌تواند معنای بیشتری هم برای پیمان شانگهای و هم برای پیوندهای اقتصادی ایران با این پیمان به همراه داشته باشد.

در مجموع، در مورد پتانسیل‌های پیمان شانگهای در توسعه تعاملات اقتصادی میان ایران و عربستان سعودی چند نکته نیازمند توجه است. نخست اینکه عربستان در سال جاری در جایگاه **شراکت گفتگو** به پیمان شانگهای پیوسته است.^۳ بنابراین، پیمان شانگهای می‌تواند این چشم‌انداز را برای دو کشور فراهم کند که به عنوان چارچوبی برای توسعه و تنظیم همکاری‌های اقتصادی چه در بخش تجارت کالا و خدمات و چه در بخش انرژی و بازار مشترک، مورد استفاده دو طرف قرار گیرد. از سوی دیگر، با توجه به ماهیت دوگانه امنیتی-اقتصادی پیمان شانگهای، حضور توأمان ایران و عربستان سعودی هرچند در جایگاه‌ها و سطوح متفاوت، به معنای میزانی از همگرایی منافع سیاسی و امنیتی نیز خواهد بود و این مسئله، فهم مشترک از تهدیدها و منافع را میان دو کشور پدید خواهد آورد. این فهم مشترک، به مرور تصور تهدید میان تهران و ریاض را تخفیف داده و آنها را به سوی همکاری و همگرایی، از جمله در حوزه اقتصاد و تجارت سوق خواهد داد.

۱- محسن شریعتی نیا (۱۰۴۱) عضویت دائم ایران در سازمان همکاری‌های شانگهای: پیامدهای امنیتی و اقتصادی، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۳:۳۱. [doi: 10.22111/25292.01.2022.1124622](https://doi.org/10.22111/25292.01.2022.1124622)

۲- «بررسی ابعاد اقتصادی و تجاری سازمان همکاری‌های شانگهای و فرصت‌های پیش روی ایران» گزارش مرکز پژوهش‌های بازرگانی اقتصادنیوز

۳- اقتصادنیوز

به این ترتیب، نه تنها مرتبط شدن شانگهای با اتحادیه اقتصادی اوراسیا و کمربند و راه امکانات اقتصادی ویژه‌ای را برای کشور به همراه آورده است، بلکه با پیوند این امکانات با دو مسئله، یعنی جایگاه ترانزیتی هم به لحاظ ترانزیت کالا (کریدور شمال جنوب) و هم انرژی (کمربند و راه) و نیز با منابع انرژی فسیلی، یک مجموعه امکانات و فرصت‌های جامع برای توسعه همکاری‌های اقتصادی با عربستان سعودی به دست خواهد آمد. حضور عربستان سعودی به عنوان شریک گفتگو در شانگهای این امکان را برای کشور به وجود می‌آورد تا با توجه به حضور قبلی روسیه و چین، از امکانات باشگاه انرژی شانگهای استفاده کرده و با توجه به تجمع بزرگترین ذخائر و تولیدکنندگان انرژی (روسیه، عربستان سعودی و ایران) و بزرگترین مصرف‌کنندگان انرژی (چین و هند)، اختلافاتی را که در سازمان اوپک میان ایران و عربستان سعودی منجر به ناکارآمدی آن شد، حل کرده و یک رویکرد همگرایانه‌تر به بازار انرژی در پیش بگیرند. این مسئله می‌تواند یک نقطه آغاز مناسب برای همکاری‌های اقتصادی میان دو کشور در قالب شانگهای باشد و بر مبنای منطق سرریز، همکاری‌های تجاری در بخش‌های دیگر از جمله تجارت کالا، خدمات و سرمایه‌گذاری در مسیر پیشرفت قرار بگیرد.^۱

سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو)

سازمان همکاری‌های اقتصادی یا به اختصار، اگو، قدیمی‌ترین سازمان اقتصادی منطقه ای است که ایران نه تنها در آن عضویت داشته، بلکه از اعضای بنیان‌گذار آن است. اگو در سال ۱۹۸۵ در تهران پایه‌گذاری شد و در قالب آن ایران، ترکیه و پاکستان به چارچوبی برای گفتگو و تفاهم نامه‌های اقتصادی دوجانبه شکل دادند که پس از فروپاشی شوروی و با اضافه شدن جمهوری‌های تازه استقلال یافته آسیای مرکزی، افغانستان و آذربایجان تعداد اعضای آن به ۱۰ کشور رسید. یک نکته مهم در مورد اگو این است که این سازمان یک قالب مشترک همکاری اقتصادی میان اعضا فراهم نمی‌کند، بلکه یک چارچوب برای موافقت نامه‌های دوجانبه میان آنها پیشنهاد می‌کند. موافقت نامه عشق آباد، موافقت نامه ترانزیتی افغانستان-پاکستان و خط لوله گاز ایران-پاکستان از جمله این ساز و کارها به شمار می‌روند که همانگونه که مشاهده می‌شود، هم شامل نمونه‌های موفق می‌شود و هم نمونه‌هایی که کارآمدی کمتری داشته‌اند.

دفتر فرهنگی و دبیرخانه اگو در تهران، دفتر اقتصادی در ترکیه و دفتر علمی آن در پاکستان قرار دارند. از جمله دیگر ویژگی‌های اگو وجود نهاد منطقه ای اتاق‌های بازرگانی و صنعت است که از سال ۱۹۹۳ برای

۱- البته موضوع باشگاه انرژی از همان ابتدا هم موضوعی مناقشه برانگیز میان اعضای پیمان شانگهای بود و مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی عضو پیمان، یعنی چین و هند، طبیعتاً شکل‌گیری چنین نهادی را به سو منافع خود نمی‌بینند. با این حال، با پیوستن هند، ایران و احتمالاً عربستان در آینده، جمع همه مصرف‌کنندگان بزرگ و عرضه‌کنندگان بزرگ انرژی در سازمان این پتانسیل را به وجود می‌آورد که باشگاه انرژی برون‌داری هماهنگ و مرتبط با منافع همه اعضا به همراه داشته باشد. همچنین، همکاری‌های انرژی در قالب انرژی‌های نو و تجدیدپذیر در این بستر می‌تواند در دستور کار قرار بگیرد.



توسعه روابط اتاق های بازرگانی ملی میان اعضا تأسیس شد. بر این مبنای اتاق های بازرگانی اعضای اکو نشست های منظمی برگزار کرده و همکاری هایی در حوزه های مختلف از جمله در صنعت، کشاورزی، تجارت، توریسم و بانکداری انجام داده‌اند.

به طور کلی، اکو ظرفیت‌های محدودی برای تأثیرگذاری بر روابط تجاری ایران و عربستان سعودی دارد. با این حال، با توجه به عضویت مؤثر پاکستان در اکو که روابط نزدیکی با عربستان سعودی دارد و نیز تجربه‌های بخش خصوصی در همکاری‌های تجاری دو و چندجانبه تجاری در قالب این سازمان، می‌توان آن را به‌عنوان یک پشتوانه نهادی-اطلاعاتی جهت همکاری‌های منطقه‌ای از جمله با عربستان سعودی، مورد توجه قرار داد.

دی هشت (D8)

گروه دی هشت یا گروه هشت کشورهای مسلمان در سال ۱۹۹۷ به ابتکار نجم الدین اربکان، نخست وزیر سابق ترکیه تشکیل شد و شامل کشورهای مالزی، اندونزی، ایران، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مصر و نیجریه است. این گروه که از تشکیلات مرتبط با سازمان کنفرانس اسلامی به شمار می‌رود، در واقع با ایده همکاری‌ها میان کشورهای در حال توسعه مسلمان شکل گرفت و توسعه مناسبات اقتصادی-اجتماعی میان اعضا و دیگر کشورهای در حال توسعه را به عنوان دستور کار اصلی خود تعریف کرد. دی هشت شامل ده گروه کاری می‌شود که در حوزه های صنعت، کشاورزی، مخابرات و اطلاعات، تجارت، علوم و تکنولوژی، توسعه نیروی انسانی، بهداشت، توسعه روستایی، بانکداری و انرژی کار می‌کنند و ایران مسئول دو گروه مخابرات و اطلاعات و علوم و تکنولوژی است. ایران مهمترین اهداف خود در این بلوک را تقویت بیشتر نقش اسلام در میان اعضا و همکاری های اقتصادی با کشورهای عضو و نیز همکاری در حوزه های فرهنگی، سیاسی و فناوری تعریف کرده است.^۱

در میان کشورهای عضو دی هشت، ایران درجه تشابه و تکمیلی نسبتاً بالاتری با ترکیه، بنگلادش، اندونزی و مالزی دارد و با پاکستان هم درجه تشابه بالایی در حوزه همسانی صادرات با واردات دارد. بنابراین، در قالب دی هشت ایران بیشترین امکان توسعه تجارت را با این کشورها دارد، در حالی که کمترین میزان توسعه تجارت با مصر برقرار است.^۲

گروه دی هشت اساساً نقش محدودی در توسعه تجارت میان اعضا داشته است، با این حال با توجه به ارتباط آن با سازمان همکاری‌های اسلامی و اینکه ایران و عربستان سعودی در مراحل بعدی روند

۱- پایگاه اطلاع رسانی دولت

۲- روح الله بیات، الهام صادقیان (۳۹۳۱) "برآورد ظرفیت‌های تجاری بین ایران و کشورهای گروه دی هشت بر اساس الگوهای متعارف تجارت بین الملل"، فصل نامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۲: ۶.

حل مناقشات، به اختلافات پیشین در قالب سازمان همکاری‌های اسلامی نیز خواهند رسید، استفاده از ظرفیت‌های ارتباطی این گروه و نقش تسهیل‌گر دیگر کشورهای اسلامی عضو، به ویژه پاکستان، اندونزی و مالزی که همگی با هر دو کشور ایران و عربستان سعودی روابط نزدیکی دارند، مفید خواهد بود.

مبحث سوم: لایه جهانی

سطح جهانی به دو مسئله عمده در موضوع این پژوهش اشاره دارد: ترتیبات تجاری عربستان سعودی و ایران در سطح جهانی، از جمله در قالب سازمان تجارت جهانی و نیز در قالب موافقت‌نامه‌های تجاری فرامنطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس، و مؤلفه‌های ژئوپولیتیکی شکل‌دهنده به روابط اقتصادی دو کشور در سطح فرامنطقه‌ای.

الف) ترتیبات اقتصادی و عربستان سعودی در سطح جهانی

عربستان سعودی علاوه بر ترتیبات منطقه‌ای، در سطح جهانی نیز در نهادها و سازمان‌های اقتصادی حضوری فعال دارد و شناخت نوع روابط و تعهدات این کشور در قالب این نهادها نیز از اهمیت بالایی برای درک ضرورت‌ها و چشم‌اندازهای کلی این کشور و طرح‌ریزی استراتژی اقتصادی مناسب از سوی نظام سیاست‌گذاری کشور برخوردار است. این امر دو بعد دارد، یکی شکل درگیر شدن اقتصادی عربستان در سطح جهانی به عنوان یک بازیگر منفرد که نماد آن روابطش با سازمان تجارت جهانی است و دیگری شکل درگیر شدن این کشور با اقتصاد جهانی در قالب نهادی که نماد آن قراردادهای فرامنطقه‌ای شورای همکاری خلیج فارس است که عربستان به عنوان عضو این شورا، از آنها پیروی می‌کند.

عربستان سعودی و سازمان تجارت جهانی

دولت سعودی در ژوئن ۱۹۹۳ درخواست عضویت خود در توافق‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) را ارائه کرد و در همان سال به عنوان عضو ناظر در این سازوکار بین‌المللی پذیرفته شد. پس از تشکیل سازمان تجارت جهانی در ۱۹۹۵، عربستان سعودی به عنوان عضو ناظر در این سازمان به مذاکرات برای عضویت کامل ادامه داد و نهایتاً در سال ۲۰۰۵ به عضویت سازمان تجارت جهانی درآمد.

عربستان سعودی پس از عضویت در سازمان تجارت جهانی، تمام ردیف‌های تعرفه‌ای خود را کاهش داد و تعهدات گسترده‌ای را تحت توافق‌نامه عمومی تجارت در خدمات (GATS) از جمله در بخش‌هایی مانند بانکداری، بیمه، بازار سرمایه و خدمات حقوقی بر عهده گرفته است. همچنین این کشور موافقت‌نامه



هماهنگ‌سازی تعرفه‌های شیمیایی را پذیرفته است.

بنا بر ارزیابی سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۲۱، عربستان سعودی حامی قوی سیستم تجاری چندجانبه و سازمان تجارت جهانی است. این کشور فعالانه در ابتکارها و مذاکرات در خصوص موضوعات تجارت جهانی مشارکت دارد. افزون بر این، عربستان سعودی در زمان ریاست بر اجلاس گروه ۲۰ در سال ۲۰۲۰ طرحی در مورد آینده سازمان تجارت جهانی را معرفی کرد که هدف آن شناسایی اصول و زمینه‌های مشترک برای ۲۵ سال آینده سازمان تجارت جهانی و ایجاد حمایت سیاسی اعضای سازمان تجارت برای پیشرفت اصلاحات در این زمینه‌ها است؛ رهبران گروه ۲۰ حمایت اصولی خود از این ابتکار (موسوم به ابتکار ریاض) را اعلام کرده‌اند.^۱

عربستان سعودی در می ۲۰۱۲ تغییرات سال ۲۰۰۵ در موافقتنامه مالکیت معنوی سازمان تجارت جهانی (موسوم به تریپس) را که به منظور تصمیم‌گیری دائمی در مورد اختراعات و بهداشت عمومی تدوین شده بود، پذیرفت. این تغییرات معافیت‌های در نظر گرفته شده در سال ۲۰۰۳ برای کشورهای فقیر در خصوص تسهیل واردات گونه‌هایی ارزان‌تر از برخی از داروها بر اساس مجوز اجباری را به موضوعی دائمی تبدیل کرد. بر اساس این تغییرات کشورهای کمتر توسعه‌یافته تا سال ۲۰۱۶ -یک سال پیش از اجرایی شدن توافق‌نامه- فرصت داشتند که سازوکارهای حفاظت از علائم تجاری، کپی رایت، حقوق ثبت اختراع، داروهای ثبت شده و سایر موضوعات مشمول حقوق مالکیت معنوی مورد نظر سازمان تجارت جهانی را تدوین و اجرایی کنند.^۲

افزون بر این عربستان سعودی در ژوئیه ۲۰۱۶ پروتکل مصوب نوامبر ۲۰۱۴ شورای عمومی سازمان تجارت جهانی برای اجرایی شدن موافقت‌نامه تسهیل تجارت را پذیرفت. بر اساس موافقت‌نامه تسهیل تجارت، اعضای سازمان تجارت جهانی متعهد به کاهش موانع بروکراتیک و تسهیل ترتیبات اداری از طریق ساده‌سازی، نوسازی و هماهنگ‌سازی فرآیندهای صادرات و واردات هستند. همچنین این موافقت‌نامه مقرراتی را در خصوص تسریع در جابجایی، ترخیص کالا، از جمله در خصوص کالاهای ترانزیتی و همکاری‌ها و هماهنگی‌های گمرکی پیش‌بینی کرده است.^۳

علاوه بر دو موافقت‌نامه چندجانبه فوق، عربستان سعودی عضو ناظر موافقت‌نامه تجارت هواپیماهای غیرنظامی

1- Secretariat report, WT/TPR/S/407, The Kingdom of Saudi Arabia

پس از طرح ابتکار ریاض، یک گروه ویژه در قالب کارگروه تجارت و سرمایه‌گذاری (GWIT) ایجاد شد تا بحث‌های ابتکار ریاض را در خصوص برخی مسائل استراتژیک مربوط به سیستم تجاری چندجانبه و آینده سازمان تجارت جهانی بررسی کند. وزیرای بازرگانی و سرمایه‌گذاری در نشست خود در سپتامبر ۲۰۲۰، خلاصه بحث‌های تهیه شده توسط رئیس GWIT را مورد توجه قرار دادند و این سند به شورای عمومی سازمان تجارت جهانی ارسال شد.

2- WTO

3- WTO

است.^۱ این موافقت‌نامه عوارض واردات همه هواپیماهای غیرنظامی، موتورها، قطعات و اجزا و مجموعه‌های فرعی آن‌ها و همچنین شبیه‌سازهای پرواز و قطعات آن‌ها را حذف می‌کند. افزون بر عربستان سعودی، ۲۴ کشور، صندوق بین‌المللی پول^۲ و کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل^۳ نیز از جمله اعضای ناظر موافقت‌نامه تجارت هواپیماهای غیرنظامی هستند.^۴

موافقت‌نامه تدارکات دولتی^۵ یکی دیگر از موافقت‌نامه‌هایی است که عربستان سعودی به عنوان عضو ناظر آن محسوب می‌شود. این موافقت‌نامه plurilateral که در سال ۲۰۱۲ منعقد شد، ۴۸ عضو سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۶، آنکتاد، مرکز تجارت جهانی^۷ و بانک اروپایی بازسازی و توسعه^۸ را در بر می‌گیرد. در کنار ۳۵ کشور دیگر، عربستان سعودی از دسامبر ۲۰۰۷ در جایگاه عضو ناظر در این موافقت‌نامه محسوب می‌شود.

موافقت‌نامه تدارکات دولتی بر اساس اصل عدم تبعیض، شفافیت و انصاف در رویه‌ها، عدم تبعیض برای تأمین‌کنندگان کالاها و خدمات در کشورهای طرف موافقت‌نامه را تضمین می‌کند؛ همچنین برای اطمینان از اینکه تدارکات تحت پوشش این موافقت‌نامه به شیوه‌ای شفاف، رقابتی و بدون هیچگونه تبعیض علیه کالاها، خدمات یا تأمین‌کنندگان طرف‌های دیگر انجام می‌شود، الزامات رویه‌ای مشخصی را تدوین کرده است. به علاوه، بر اساس این موافقت‌نامه، اعضا موظف به ارائه اطلاعات شفاف در خصوص رویه‌های خود در خصوص تدارکات دولتی هستند.^۹

عربستان سعودی همچنین عضو موافقت‌نامه فناوری اطلاعات (ITA) سازمان تجارت جهانی است. این موافقت‌نامه plurilateral که در دسامبر ۱۹۹۶ منعقد شد، با در بر گرفتن ۸۲ عضو، حدود ۹۷ درصد از تجارت جهانی در حوزه فناوری اطلاعات را شامل می‌شود. بر اساس این توافق، اعضا متعهد به حذف کامل تعرفه‌های محصولات حوزه فناوری اطلاعات هستند. در دسامبر ۲۰۱۵، بیش از ۵۰ عضو این موافقت‌نامه در خصوص توسعه شمول آن به ۲۰۱ محصول جدید، به ارزش سالانه ۱٫۳ تریلیون دلار به توافق

رسیدند.^{۱۰}

۱- توافق‌نامه‌های جمعی در سازمان تجارت جهانی در دو دسته laretalitlum و laretalirulp جای می‌گیرد. بر خلاف توافق‌نامه‌های laretalitlum که توسط تمامی اعضای OTW به امضا رسیده است (یا قرار است به امضا برسد) و بنابراین جنبه الزام‌آور دارد، توافق‌نامه‌های laretalirulp توسط گروهی از کشورهای عضو، به شکل داوطلبانه به امضا رسیده است و بنابراین نه برای تمامی اعضا، بلکه برای امضاکنندگان الزام‌آور است. موافقت‌نامه تجارت هواپیماهای غیرنظامی از جمله توافق‌های laretalirulp است که از سال ۰۸۹۱ تا کنون ۳۳ کشور (آلبانی، کانادا، مصر، اتریش، بلژیک، بلغارستان، دانمارک، استونی، فرانسه، آلمان، یونان، ایرلند، ایتالیا، لتونی، لیتوانی، لوکزامبورگ، مالت، هلند، پرتغال، رومانی، اسپانیا و سوئد، گرجستان، ژاپن، ماکائو، چین، مونته‌نگرو، مقدونیه شمالی، نروژ، سوئیس، تایوان، انگلستان و ایالات متحده) به آن پیوسته‌اند.

2- International Monetary Fund (IMF)

3- United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)

4- WTO

5- Agreement on Government Procurement (GPA)

6- Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

7- International Trade Centre

8- European Bank for Reconstruction and Development (EBRD)

9- WTO

10- WTO

افزون بر موارد بالا که در زمره موافقت‌نامه‌ها قرار دارند، عربستان سعودی در شماری از ابتکارهای مشترک ذیل سازمان تجارت جهانی از جمله ابتکار مشترک تجارت الکترونیک^۱، ابتکار مشترک تسهیل سرمایه‌گذاری برای توسعه^۲، کارگروه غیررسمی شرکت‌های کوچک و متوسط^۳، ابتکار مشترک مقررات داخلی خدمات^۴، ابتکار زیست‌محیطی آلودگی پلاستیکی و تجارت پلاستیک‌های سازگار با محیط زیست^۵، ابتکار تجارت و پایداری زیست‌محیطی^۶، مشارکت دارد^۷. همچنین این کشور عضو گروه عربی سازمان تجارت جهانی^۸، گروه اعضای در حال توسعه آسیایی^۹ و گروه غیررسمی کشورهای در حال توسعه^{۱۰} است. اقتصاد عربستان سعودی به شدت به نفت وابسته است. این کشور در سال‌های اخیر شاهد طیف وسیعی از ابتکارها با هدف نوسازی و تنوع بخشی به اقتصاد بوده است. مطابق ارزیابی سازمان تجارت جهانی، ادامه چنین ابتکارهایی برای بهبود رقابت‌پذیری بخش غیرنفتی اهمیت بسزایی دارد.

در خصوص نظام تعرفه‌ها، بر اساس قانون گمرک مشترک شورای همکاری خلیج فارس، عربستان سعودی از ژانویه ۲۰۰۳ تعرفه مشترک خارجی شورای همکاری خلیج فارس را اعمال کرده است. بر این اساس، اقلام وارد شده به عربستان سعودی (یا هر کشور عضو دیگر شورای همکاری خلیج فارس) که مقصد آن یکی از بازارهای شورای همکاری خلیج فارس باشد، تنها در اولین نقطه ورود به قلمرو شورای همکاری خلیج فارس مشمول عوارض گمرکی می‌شود. هر چند پس از یک دوره انتقالی، اتحادیه گمرکی شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۵ به شکل کامل اجرایی شده است، تفاوت‌هایی در اجرای تعرفه‌های خارجی مشترک وجود دارد، زیرا هر کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس حق دارد فهرستی از کالاهای ممنوعه و محدود را تدوین کند.

در حالی که عربستان سعودی هیچ تغییری در قوانین و تعرفه‌های گمرکی ایجاد نکرده است و این مقررات تابع قانون مشترک گمرک و قوانین اجرایی شورای همکاری خلیج فارس است، تغییرات مهمی در رویه‌های گمرکی ایجاد شده است و یک پنجره واحد در سراسر کشور برای رویه‌های گمرکی وجود دارد. اداره گمرک عربستان سعودی یک سیستم تبادل الکترونیکی داده‌ها و یک پنجره واحد تجارت الکترونیکی را که امکان ارسال و پردازش الکترونیکی اظهارنامه‌های وارداتی را فراهم می‌کند، توسعه داده است. همچنین، عربستان سعودی یک سیستم مدیریت ریسک برای طبقه‌بندی محموله‌ها بر اساس سطح ریسک آن‌ها دارد.

1- Joint Initiative on E-commerce

2- Investment facilitation for development

3- Informal Working Group on Micro, Small and Medium-sized Enterprises (MSMEs)

4- Joint Initiative on Services Domestic Regulation

5- Plastics pollution and environmentally sustainable plastics trade

6- Trade and environmental sustainability

7- WTO

8- WTO Arab Group

9- Group of Asian Developing Members

10- Informal Group of Developing Countries

تعرفه‌های وارداتی که مشمول قوانین مشترک شورای همکاری خلیج فارس هستند، تا زمان همه‌گیری کووید-۱۹ تغییر قابل توجهی نداشت. تقریباً همه خطوط تعرفه‌ای در عربستان سعودی مشمول نرخ‌گذاری بر مبنای قیمت^۱ هستند و تنها ۱,۳ درصد از کل خطوط بدون در نظر گرفتن قیمت نرخ‌گذاری شده‌اند. میانگین نرخ تعرفه MFN^۲ اعمال شده در عربستان سعودی در سال ۲۰۲۰ برابر با ۵,۵ درصد بود که به سبب تغییرات در ساختار تعرفه و افزایش نرخ عوارض گمرکی برای برخی محصولات (مانند کودها، گوشت و محصولات لبنی) افزایشی ۰,۳ درصدی را نسبت به سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد. بر اساس ارزیابی سال ۲۰۲۱ سازمان تجارت جهانی، عربستان سعودی برای ۷۷,۴ درصد از کل خطوط تعرفه‌ای، نرخ تعرفه MFN اعمال شده ۵ درصد را اعمال کرده است؛ در حالی که عوارض ۱۰,۶ درصد از خطوط تعرفه برابر با صفر و ۹,۷ درصد خطوط تعرفه بین ۵ تا ۱۵ درصد بوده است. گروه بسیار کوچکی از محصولات کشاورزی مشمول نرخ‌های MFN بسیار بالاتری هستند و محصولات تنباکو مشمول نرخ ۱۰۰ درصد می‌شوند.^۳ جدول زیر سهم گونه‌های مختلف تعرفه‌ای را در گروه‌های کالایی وارداتی عربستان سعودی نشان می‌دهد.

جدول ۱ - سهم گونه‌های مختلف تعرفه‌ای در گروه‌های کالایی وارداتی عربستان سعودی

Product groups	Final bound duties				MFN applied duties			Imports	
	AVG	Duty-free	Max	Binding	AVG	Duty-free	Max	Share	Duty-free
		in %		in %		in %		in %	in %
Animal products	12.4	0.5	25	100	6.5	36.6	20	2.1	33.3
Dairy products	11.2	0	25	100	12.0	0	25	1.5	0
Fruit, vegetables, plants	11.8	0	40	100	3.5	33.1	40	2.8	54.0
Coffee, tea	9.3	0	15	100	4.4	37.5	15	0.9	46.2
Cereals & preparations	12.9	0	25	100	7.1	28.3	25	5.0	55.0
Oilseeds, fats & oils	11.3	0	15	100	5.2	3.6	12	1.2	35.8
Sugars and confectionery	12.3	0	20	100	5.7	29.4	15	0.6	61.3
Beverages & tobacco	125.0	0.7	> 1000	100	116.8	0.7	> 1000	0.9	0.0
Cotton	13.2	0	15	100	5.0	0	5	0.0	0
Other agricultural products	13.0	0	15	100	4.4	11.0	5	1.3	47.0
Fish & fish products	9.5	0	15	100	3.6	28.1	5	0.5	31.5
Minerals & metals	13.1	2.0	20	100	7.8	2.5	20	14.1	6.8
Petroleum	5.9	0	10	100	5.5	0	10	3.0	0
Chemicals	5.4	11.1	15	100	4.6	11.5	7	13.3	42.7
Wood, paper, etc.	9.0	1.0	20	100	6.7	4.9	20	3.7	3.8
Textiles	14.1	0.2	15	100	5.9	0.2	15	2.1	3.6
Clothing	11.1	0	15	100	5.1	0	12	2.4	0
Leather, footwear, etc.	12.4	4.7	15	100	6.1	0.3	15	2.1	0
Non-electrical machinery	10.5	16.7	15	100	5.1	10.1	15	12.6	20.9
Electrical machinery	8.1	35.9	15	100	4.7	27.4	15	10.1	61.6
Transport equipment	10.8	4.2	15	100	4.7	17.4	15	14.9	13.6
Manufactures, n.e.s.	10.8	13.2	15	100	4.8	8.8	15	5.0	13.9

Source: WTO

1_ ad valorem

۲ noitan derovaf-tsoM (NFM) نرخ‌های تعرفه‌ای هستند که یک کشور برای واردات از همه شرکای تجاری خود که عضو سازمان تجارت جهانی (OTW) هستند اعمال می‌کند، مگر آن که کشور یک توافق‌نامه تجاری با برخی شرکای خود داشته باشد که در این صورت عوارض واردات با نرخ‌های پایین‌تر تعیین می‌شود.

3_Secretariat report, WT/TPR/S/407, The Kingdom of Saudi Arabia



در خصوص مالیات نیز در ژانویه ۲۰۱۷، عربستان سعودی موافقت‌نامه مالیات غیرمستقیم شورای همکاری خلیج فارس را تصویب کرد؛ بر اساس این قانون و مقررات اجرایی آن نوشیدنی‌های قندی شامل مالیات ۵۰ درصد می‌شوند و مالیات محصولات مرتبط با تنباکو، نوشیدنی‌های انرژی‌زا و سیگارهای الکترونیکی (ویپ) برابر با ۱۰۰ درصد است. همچنین عربستان سعودی بر اساس رویکرد مشترک بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، مالیات بر ارزش افزوده را از اول ژانویه ۲۰۱۸ با نرخ استاندارد ۵ درصد معرفی کرد که این رقم در ژوئیه ۲۰۲۰، به عنوان بخشی از اقدامات اتخاذ شده برای مقابله با بحران اقتصادی ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹، به ۱۵ درصد افزایش یافت.

در رابطه با استانداردها، در سال ۲۰۱۹، مرکز اعتبارسنجی عربستان سعودی^۱ به عنوان نهاد اعتبارسنجی ملی ایجاد شد. سازمان استاندارد، متولوژی و کیفیت عربستان سعودی تاکنون بیش از ۳۰ هزار استاندارد معرفی کرده است که اکثر آن‌ها بر اساس استانداردهای بین‌المللی تدوین شده است. تا پایان سال ۲۰۱۹، ۸۹ درصد از استانداردهای عربستان سعودی بر اساس استانداردهای مشترک شورای همکاری خلیج فارس تدوین شده بود. در حال حاضر، عربستان سعودی دارای ۳۲ آیین‌نامه فنی در حال اجرا است که در میان آن‌ها دو آیین‌نامه بر اساس آیین‌نامه فنی شورای همکاری خلیج فارس طی سال‌های ۲۰-۲۰۱۶ تصویب شده است. بر اساس این آیین‌نامه‌ها و مقررات فنی، عربستان سعودی در مورد واردات محصولات حیوانی، وسایل نقلیه موتوری، لاستیک‌های وسایل نقلیه، اسباب‌بازی‌ها، نوشیدنی‌های انرژی‌زا، محصولات غذایی دارای قند، تجهیزات الکتریکی و الکترونیکی و محصولات پلاستیکی محدودیت‌هایی را اعمال می‌کند. همچنین با توجه به اقدامات بهداشتی و بهداشت گیاهی^۲، این کشور ممنوعیت‌هایی را بر واردات میگو، ماهی، سخت‌پوستان و سایر محصولات حیوانی آبی در نظر گرفته است. الزامات در خصوص مجوز واردات برای برخی از واردات از همه شرکای تجاری به جز اعضای شورای همکاری خلیج فارس اعمال می‌شود.^۳ افزون بر محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های ناشی از آیین‌نامه‌های فنی، ممنوعیت واردات بر اساس ملاحظات امنیتی، اخلاقی و مذهبی و همچنین بر اساس تعهدات بین‌المللی مانند الزامات کنوانسیون‌های بین‌المللی و قطعنامه‌های تحریمی سازمان ملل تعیین می‌شود.^۴

افزون بر تعهدات مورد اشاره در بالا که در دو لایه جهانی و منطقه‌ای بر سیاست تجاری عربستان سعودی

1 Saudi Accreditation Centre

2 phytosanitary

۳- عربستان سعودی فاقد یک سیستم صدور خودکار مجوز است و برای واردات هر محصول مشمول الزامات واردات، مراحل صدور مجوز توسط نهادهای اداری مربوطه انجام می‌شود؛ واردکننده واجد شرایط می‌تواند برای دریافت مجوز از آن مرجع درخواست کند. درخواست مجوز می‌تواند ۱۲ روز قبل از ورود کالا ارسال شود. رسیدگی به درخواست‌ها حداکثر ۰۳ روز طول می‌کشد، اما مقامات نشان می‌دهند که مجوزها معمولاً در مدت زمان کوتاه‌تری تصمیم‌گیری می‌شوند. اعتبار مجوزهای واردات بسته به نوع محصول متفاوت است. برای صدور مجوز هیچ هزینه‌ای جز هزینه‌های اداری یا ودیعه لازم نیست. مجوزهای واردات قابل انتقال نیست.

4 Secretariat report, WT/TPR/S/407, The Kingdom of Saudi Arabia

تاثیرگذارند، این کشور در دوره ریاست بر گروه ۲۰ ارائه‌دهنده "ابتکار ریاض" برای اصلاحات در سیستم تجارت آزاد و سازمان تجارت جهانی بوده که با حمایت سایر اعضای این گروه همراه شده است/ عربستان سعودی به عنوان یکی از اعضای گروه ۲۰، تابع تعهدات جمعی این گروه است. تعهدات جمعی اعضای گروه ۲۰ طیف بسیار متنوعی را در خصوص موضوعات مربوط به اقتصاد جهانی، تغییرات محیط‌زیستی، رابطه با کشورهای جنوب جهانی، تعهدات نسبت به کشورهای در حال توسعه، بهبود نظام‌های سلامت و بهداشت در جهان، افزایش مشارکت زنان در ساختارهای تصمیم‌سازی بین‌المللی و حقوق کودکان شامل می‌شود. جدول زیر اهم این تعهدات در خصوص موضوعات اقتصادی که در اجلاس G20 در عربستان تصویب شده است را به شکل خلاصه نشان می‌دهد.^۱

جدول ۲- تعهدات کشورهای گروه ۲۰ در قالب ابتکار ریاض

کار گروه	تعهد جمعی و اقدام مشخص	نهاد تصویب‌کننده/ سند پشتیبان
بخش توسعه پایدار: زیرساخت		
	استفاده از فناوری در زیرساخت‌ها، افزایش ارزش پولی پروژه‌های زیربنایی و ارتقای سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی با کیفیت برای ارائه نتایج اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی.	وزرای دارایی و روسای بانک مرکزی G20
کار گروه زیرساخت	ترویج و تقویت فناوری‌های فراگیر، پایدار و انعطاف‌پذیر که حکمرانی خوب را تقویت می‌کند. ایجاد یک اکوسیستم از داده‌ها با هدف افزایش انعطاف‌پذیری و بهبود اطلاع‌رسانی در خصوص برنامه‌ریزی، بهره‌برداری، نگهداری و تصمیمات سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها	دستور کار ریاض G20 در خصوص زیرساخت‌های تکنولوژی
	افزایش تلاش‌ها برای ارتقای سرمایه‌گذاری زیرساختی با کیفیت و تسریع تلاش‌ها برای بسیج منابع خصوصی تامین مالی زیرساخت‌ها با هدف افزایش بهره‌وری، افزایش رشد و ایجاد شغل	گزارش پیشرفت برنامه اقدام G20
کار گروه توسعه	ارائه دستورالعمل‌های داوطلبانه که به سیاست‌گذاران در سرمایه‌گذاری پایدار در پروژه‌های زیرساختی با کیفیت در کشورهای در حال توسعه از جمله کشورهای کم درآمد کمک می‌کند. هدف دستورالعمل‌های پیشنهادی حمایت از سیاست‌گذاران بوده و با تمرکز بر ملاحظات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی و حمایت از پروژه زیرساختی پایدار ارائه می‌شود.	مصوبات کار گروه توسعه
	توسعه زیرساخت‌ها برای حمایت از توریسم	چارچوب کاری العلام
کار گروه توریسم	توسعه زیرساخت‌های پایدار و انعطاف‌پذیر برای حمایت از توسعه اقتصادی، دسترسی به بازارها و استفاده از فناوری اطلاعات حمایت از ارائه سیستم‌های حمل‌ونقل ایمن، مقرون به صرفه، در دسترس و پایدار برای همه و تقویت پیوندها و اتصالات بین مناطق شهری و روستایی	سند سفر ایمن

1- 2020 Annual Update on G20 Development Commitments and the G20 Action Plan on the 2030 Agenda for Sustainable Development, available at: dwgg20.org/app/uploads/2021/10/Annual-Update.pdf



کار گروه	تعهد جمعی و اقدام مشخص	نهاد تصویب کننده / سند پشتیبان
بخش توسعه پایدار: کشاورزی، امنیت غذایی و تغذیه		
کار گروه کشاورزی	سرمایه‌گذاری مسئولانه در سیستم‌های کشاورزی و غذایی و تسهیل آن از طریق افزایش آگاهی و اشتراک دانش، توانمندسازی و تدوین سازوکارهای بهبود عملیات تجاری، پایداری زنجیره تامین و توسعه ظرفیت عملیاتی بخش مالی	وزیران کشاورزی و آب G20
بخش توسعه پایدار: توسعه منابع انسانی، اشتغال و آموزش		
کار گروه اقتصاد دیجیتال	تقویت ظرفیت‌های آماری و تبادل اطلاعات در اقتصاد دیجیتال و ارائه شاخص‌های مرتبط با مشاغل و مهارت‌ها از جمله سواد دیجیتال	بیانیه وزارت اقتصاد دیجیتال G20
	تعهد به پیشبرد امنیت در اقتصاد دیجیتال در راستای منافع اقتصادی مشترک و همکاری برای کاهش خطرات امنیتی در اقتصاد دیجیتال و کاهش ریسک سیستماتیک	
	تعهد به توسعه اقتصاد دیجیتال به عنوان محرک رشد و توسعه اقتصادی فراگیر، غلبه بر چالش‌های توسعه از جمله چالش‌های رشد، کار، اشتغال، اجتماعی، بهداشتی و فرهنگی	
حمایت و تقویت انعطاف‌پذیری کسب‌وکارها، به‌ویژه شرکت‌های کوچک و متوسط، زنان و کارآفرینان جوان و کمک به آن‌ها برای غلبه بر شکاف‌های دیجیتال، اهمیت دسترسی به سرمایه و استفاده فراگیر از فناوری‌های دیجیتال پیچیده‌تر		
بخش توسعه پایدار: شمول مالی		
مشارکت جهانی برای شمول مالی	بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال و نوآورانه برای تقویت تأمین مالی جوانان، زنان و شرکت‌های کوچک و متوسط تعهد به خط مشی G20 در مورد شمول مالی دیجیتال برای جوانان، زنان و SME ها که مجموعه‌ای از گزینه‌های سیاستی را ارائه می‌کند و شکاف‌های تأمین مالی را از طریق خدمات مالی دیجیتال هدف قرار می‌دهد. تعهد به خط مشی G20 در سه گزارش پشتیبانی می‌شود: (۱) پیشبرد مشارکت مالی دیجیتالی جوانان (۲) پیشبرد مشارکت مالی دیجیتال زنان و (۳) ترویج تأمین مالی دیجیتال و نوآورانه SMEها	خط مشی G20 در مورد شمول مالی دیجیتال
بخش توسعه پایدار: تجارت و سرمایه‌گذاری		
کار گروه تجارت و سرمایه‌گذاری	ترویج راه‌های مختلف تنوع اقتصادی برای کمک به اقتصادها برای ورود به چرخه پایدار فعالیت اقتصادی با تمرکز بر تجارت خدمات و مناطق ویژه اقتصادی	بیانیه وزارتی کار گروه تجارت و سرمایه‌گذاری G20
	شناسایی شکاف‌ها در قابلیت‌های سرمایه‌گذاری و فرصت‌ها برای بهبود همکاری در ارائه کمک‌های فنی برای سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته و همکاری‌های بیشتر برای بررسی اقدامات اضافی برای رفع شکاف‌ها در کمک‌های فنی مرتبط با سرمایه‌گذاری	گزارش جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جذب سرمایه گذاری

عربستان سعودی، شورای همکاری خلیج [فارس] و معاهدات فرامنطقه‌ای

از جمله ابعاد مهم همگرایی کشورهای منطقه در قالب شورای همکاری خلیج فارس، معاهدات تجاری ای است که این کشور با طرف های ثالث برقرار می‌کند و تمام اعضا ضرورت پیروی از آنها را دارند. به عبارت دیگر، کشورهای عضو شورای همکاری در انعقاد موافقت نامه های تجاری به صورت بلوکی عمل می‌کنند و هرچند اعضا معاهدات تجاری دو جانبه ای با برخی کشورها نیز دارند، با این حال موافقت نامه های تجارت آزاد بلوکی شورای همکاری نقش مهمی در عمق بخشیدن به همگرایی اقتصادی اعضا ایفا کرده است. تا کنون این کشورها دو موافقت نامه با سنگاپور و اتحادیه تجارت آزاد اروپایی (EFTA) امضا کرده اند.

نخستین موافقت نامه از این دست، میان شورای همکاری و سنگاپور امضا شد که در سال ۲۰۱۳ اجرایی و از ۲۰۱۵ به سازمان تجارت جهانی ابلاغ شده است. این موافقت نامه طیفی از حوزه ها از جمله تجارت کالا، قواعد مبدأ کالاهای تجاری^۱، رویه های گمرکی، تجارت خدمات، تدارکات دولتی و تجارت الکترونیک را در بر می‌گیرد و بخش های دیگری از جمله موافقت نامه در حوزه سرمایه گذاری نیز در دست مذاکره میان طرفین است. بر مبنای این موافقت نامه ها، شورای همکاری موافقت کرده است تا ۹۹ درصد از تعرفه ها بر صادرات از سنگاپور را لغو کند.^۲

توجه به تجربه سنگاپور مهم است. سنگاپور نخستین کشور خارج از خاورمیانه است که با کشورهای شورای همکاری قرارداد تجارت آزاد امضا می‌کند و از این حیث، نگاهی به این موافقت نامه مفید است. معاهده تجارت آزاد دوجانبه، موسوم به GSFTA دومین قرارداد تجارت آزاد سنگاپور با کشورهای خاورمیانه، پس از موافقت نامه مشابه با اردن در سال ۲۰۰۴، است. با توجه به موقعیت ویژه سنگاپور به عنوان هاب تجاری جنوب شرق آسیا و اهمیت تجارت جنوب شرق آسیا برای اقتصاد بین الملل، این موافقت نامه یک دستاورد مهم برای دو طرف به شمار می‌رود. طی مذاکرات دوجانبه، کشورهای شورای همکاری برای نخستین بار قواعد استاندارد حلال سنگاپور^۳ موسوم به SMHS را در تجارت دوجانبه به رسمیت شناخت و این امر، فرصت مهمی برای سنگاپور جهت صادرات محصولات خوراکی حلال به کشورهای این حوزه فراهم کرده است. شورای همکاری به دنبال این موافقت نامه به پنجمین شریک بزرگ تجاری سنگاپور تبدیل شد. طی پنج سال ۲۰۲۲-۲۰۱۷، ارزش تجارت دو جانبه رو به رشد بوده و به ۴۳,۲ میلیارد دلار رسیده است.^۴

1- rules of origin

2- Enterprise Singapore, The Gulf Cooperation Council (GSFTA) Legal Text. Viewed at: https://www.enterprisesg.gov.sg/-/media/ESG/Files/Non-Financial-Assistance/For-Companies/Free-TradeAgreements/GSFTA/GSFTA_Legal_Text

3- Singapore MUIS Halal Standards

4- Gulf Cooperation Council-Singapore Free Trade Agreement Enters into Force (mti.gov.sg)



چند بند از این موافقت نامه شایان توجه بیشتر است. علاوه بر تجارت کالا که با رعایت شرایطی، بدون تعرفه و عوارض میان طرفین صورت می‌گیرد، قطر، عربستان سعودی، بحرین و امارات متحده تا ۱۰۰ درصد و عمان تا ۷۰ درصد مالکیت شرکت های سنگاپوری در خاک خود را به رسمیت شناخته اند. در حوزه خدمات ساخت و ساز، امارات متحده ۷۰ درصد مالکیت شرکت های سنگاپوری و قطر، عربستان، کویت و بحرین تا ۱۰۰ درصد مالکیت را برای شرکت های سنگاپوری به رسمیت شناخته اند.^۱

مورد دوم، موافقت نامه تجارت آزاد میان شورای همکاری و اتحادیه تجارت آزاد اروپایی (EFTA شامل ایسلند، نروژ، لیختن اشتاین و سوئیس) است که از سال ۲۰۱۵ اجرایی شد. اتحادیه تجارت آزاد اروپایی که شامل تعدادی از کشورهای اروپایی خارج از اتحادیه اروپا می شود یکی از بلوک های اقتصادی مهم است که هرچند حجم تجارت چندان بالایی ندارد، با این حال به دلیل سطح فناوری کشورهای عضو و تولید برخی از کالاهای با فناوری بالا و یا کالاهای لوکس، از اهمیت چشمگیری به ویژه برای کشورهای در حال توسعه برخوردار است. در سال ۲۰۲۰، حجم تجارت میان شورای همکاری و EFTA بالغ بر ۹,۳ میلیارد دلار بود که ۶,۲ میلیارد دلار آن واردات کشورهای عضو شورای همکاری از EFTA و ۲,۹ میلیارد دلار نیز صادرات آنها به این بلوک اقتصادی بوده است.^۲

موافقت نامه شورای همکاری و اتحادیه اروپایی تجارت آزاد، مانند مورد قبل با سنگاپور، جامع نیست ولی چند حوزه مهم و اصلی را پوشش می دهد. در حوزه تجارت کالا، موافقت نامه شامل تجارت آزاد کالاهای صنعتی، محصولات فرآوری شده کشاورزی و دریایی و دیگر محصولات دریایی می شود. تجارت خدمات، تدارکات دولتی و هماهنگی در سیاست های مربوط به رقابت در تجارت نیز در زمره اصول توافق شده در این موافقت نامه است. توافق های دوجانبه در حوزه کشاورزی شامل کالاهای اصلی کشاورزی می شود و یکی از بخش های قانونی نهاد قانونی ایجاد منطقه آزاد تجاری میان شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه تجارت آزاد اروپایی است. با این حال، برخی دیگر از حوزه های همگرایی از جمله مالکیت معنوی و سرمایه گذاری منوط به مذاکرات بیشتر میان طرفین در آینده شده است.^۳

لازم به یادآوری است که شورای همکاری خلیج فارس در ابتدای توسعه همگرایی اقتصادی خود مذاکرات بسیاری را برای امضای موافقت نامه های تجارت آزاد آغاز کرده بود که می توان به کشورها و بلوک هایی از قبیل استرالیا، چین، اتحادیه اروپا، هند، ژاپن، کره جنوبی، نیوزیلند، پاکستان، ترکیه و مرکوسر (MERCOSUR) اشاره کرد. هیچ کدام از این مذاکرات به نتیجه رسمی ختم نشده است، ولی مذاکره

1- The GCC-Singapore Free Trade Agreement (aseanbriefing.com)

2- EFTA and the Gulf Cooperation Council hold their fourth Joint Committee meeting | European Free Trade Association

3- Saudi Arabia Trade Policy Review by WTO Secretariat, p. 31

با چین همچنان در جریان است.^۱

ب) عربستان سعودی و مؤلفه‌های ژئوپولیتیک جهانی (و منطقه‌ای)

متغیرهای ژئوپولیتیک همواره نقشی تعیین کننده در شکل دهی به روابط ایران و عربستان سعودی داشته‌اند. تفاوت و تعارض پایدار در منافع ژئوپولیتیک شرایطی را پدید آورد که ایران و عربستان سعودی به عنوان دو بازیگر اصلی در خلیج فارس و مهم در کل خاورمیانه هرگز از روابطی دوستانه و نزدیک برخوردار نگردند؛ به طوری که حتی در دوره‌هایی که دو کشور موفق به کنترل سطح تنش‌ها و درگیری‌ها با یکدیگر و ایجاد سازوکارهایی برای گفتگو بر سر اختلافات خود شده‌اند، روابط دو طرف همچنان توأم با بدبینی و احساس ناامنی بوده است.

رقابت‌های دو کشور که در مقاطع مختلف به دشمنی آشکار بدل شده است، به حدی دیرپا و غیرقابل حل نموده است که برخی تحلیل‌گران نظم ژئوپولیتیک خلیج فارس (اگر نه خاورمیانه) را ناشی از این رقابت دانسته‌اند؛ هر چند در سال‌های اخیر با اهمیت یافتن نقش موثر کشورهای کوچک خلیج فارس، بازاندیشی در این انگاره ضروری شده است. این بخش تلاش دارد بدون ورود به تاریخ روابط دو کشور، مهم‌ترین موضوعاتی که موجب تشدید رقابت و دشمنی بین دو کشور شده است را شرح داده و سپس پیامدهای احتمالی عادی‌سازی روابط دو طرف در حوزه اقتصادی را بررسی کند.

• عراق

با سقوط حزب بعث در سال ۲۰۰۳ ایران موفق شد به مدد ارتباطات قدیمی خود با گروه‌های شیعه عراق، به نفوذ بالایی در این کشور دست یابد. از دیدگاه عربستان سعودی نظم سیاسی پسا صدام که جایگاه برتر اکثریت شیعه در عراق را تضمین کرده است، عملاً به معنی «تقدیم عراق در سینی طلا به تهران» بود.^۲ در برابر این وضعیت عربستان سعودی در نخستین سال‌های پس از سقوط صدام به حمایت از گروه‌های سنی مخالف که عمدتاً روابط نزدیکی با القاعده داشتند پرداخت؛ موضوعی که اتفاقاً از یک سو به نزدیکی بیشتر گروه‌های شیعه به ایران انجامید و از سوی دیگر زمینه‌ساز برخی هماهنگی‌ها میان ایران و آمریکا شد.

۱- تجارت میان اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس نیز در این حوزه شایان توجه است. در سال ۲۰۲۲، اتحادیه اروپا دومین شریک بزرگ تجاری شورای همکاری با ۳٫۲۱ درصد از تجارت این بلوک (بعد از چین با ۸٫۵۱ درصد) بوده است که ارزش تجارت کالا میان دو طرف در این سال به ۱٫۷۹ میلیارد یورو رسیده است. همچنین، ارزش تجارت خدمات میان دو طرف در سال ۹۱۰۲ بالغ بر ۷٫۱۵ میلیارد یورو بوده است و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اتحادیه اروپا در کشورهای این حوزه نیز به ۹۶۷ میلیارد دلار رسیده است. دو طرف از سال ۸۸۹۱ یک موافقت‌نامه همکاری دارند که چارچوب تعاملات اقتصادی و سیاسی میان دو طرف را شکل داده است. طی دو دهه اخیر، گفتگوها و مذاکرات دوجانبه میان طرفین برای حل موانع تجاری و همکاری‌های گوناگون همواره در سطوح مختلف دولتی و بخش خصوصی برقرار بوده است. از سال ۰۹۹۱ دو طرف مذاکرات برای معاهده تجارت آزاد را آغاز کردند، ولی این مذاکرات با مسائل گوناگونی رو به رو شد، به گونه‌ای که در سال ۸۰۰۲ متوقف شدند. به منبع رو به رو بنگرید: noissimmoC naeporuE (ue.aporue) noiger fluG htiw snotialer edart UE

2- Yee, Vivian Rubin, Alissa J, In U.S.-Led Iraq War, Iran Was the Big Winner, New York Times, March 2023



با توسعه نفوذ ایران در عراق پس از ظهور داعش در عراق و افزایش حمایت‌های تسلیحاتی، مالی و سیاسی ایران از گروه‌های شیعه که در قالب حشد الشعبی سازمان یافته بودند، عربستان سعودی سیاست نوینی را در پیش گرفت؛ این سیاست جدید که واکنش‌های منفی اجتماعی به نفوذ ایران در عراق (حتی در میان گروه‌های شیعه همچون جریان «حکمت ملی عراق» و جریان «صدر») بستر مناسبی را برای آن فراهم کرده بود مبتنی بر احیای و توسعه روابط سیاسی و اقتصادی با عراق و تقویت گروه‌های سیاسی-اجتماعی که هویت عراق را نه بر اساس مذهب، بلکه بر اساس هویت عربی-عراقی تعریف می‌کنند، است. به عبارت دیگر سیاست نوین ریاض در قبال بغداد بر اساس ادغام عراق در «سازه عربی» منطقه، خروج آن از «سازه شیعی» منطقه و درگیر کردن بیشتر عراق در خلیج فارس تنظیم شده است.

• سوریه

با آغاز خیزش‌های اجتماعی در کشورهای عرب منطقه، رقابت میان ایران و عربستان سعودی شدت گرفت؛ حمایت تبلیغاتی ایران از مخالفان حکومت «زین‌العابدین بن علی» در تونس و حمایت سیاسی از مخالفان «محمد حسنی مبارک» در مصر، تهران را در برابر بلوک محافظه‌کار منطقه به رهبری عربستان سعودی قرار داد؛ با آغاز اعتراضات اجتماعی در سوریه و تبدیل سریع آن به جنگ داخلی در این کشور، ایران و عربستان سعودی وارد یکی از شدیدترین و طولانی‌ترین درگیری‌های خود در منطقه شدند.

حمایت مالی، سیاسی و نظامی ایران از دولت «بشار اسد» و همچنین پشتیبانی‌های عربستان سعودی از اپوزیسیون سوریه (معارضین) از نخستین روزهای جنگ داخلی در سوریه آغاز شد و دست‌کم تا پایان سال ۲۰۱۹ ادامه یافت.

هر چند در ماه‌های اخیر شاهد از سرگیری روابط سوریه و عربستان سعودی بوده‌ایم و اقدام ریاض برای عضویت مجدد سوریه در اتحادیه عرب بخشی از تلاش‌های دیپلماتیک این کشور برای تسهیل مسیر در همین راستا است،^۱ این تحولات الزاما به معنی پایان رویارویی ایران و عربستان سعودی در سوریه نیست. به عبارت دیگر می‌توان ابتکارهای عربستان سعودی در خصوص سوریه را بخشی از تلاش‌های این کشور برای احیای سازه عربی منطقه دانست. در این دیدگاه، مادامی که کشورهای عرب منطقه روابط خود با سوریه تحت حکومت بشار اسد را احیا نکنند و راه را برای ادغام مجدد آن در ساختارها و سازوکارهای عربی منطقه نگشایند، دمشق چاره‌ای جز اتکای بیشتر به تهران نخواهد داشت؛ در واقع احیای روابط کشورهای عربی با سوریه، انتخاب‌های جایگزین را در اختیار دمشق قرار می‌دهد؛ موضوعی که به ویژه با آغاز فرایند بسیار پرهزینه و پیچیده بازسازی (به سبب تحریم‌های) سوریه اهمیت بسزایی خواهد یافت.

1- Al-Jazeera, Arab League brings Syria back into its fold after 12 years, May 2023

• لبنان

از دهه ۹۰ میلادی تا سال ۲۰۰۶، مناسبات ایران و عربستان سعودی در لبنان مبتنی بر حمایت ریاض از گروه‌های سکولار سنی و مسیحی و پشتیبانی ایران از حزب‌الله و متلف نزدیک آن جریان «امل» بود، تا این سال، هر چند شیعیان در قالب جریان امل و بر اساس نظام برآمده از توافق طائف در سیاست رسمی نقش داشتند، عملاً از قدرت تأثیرگذاری اندکی برخوردار بودند. در سال ۲۰۰۶، پس از جنگ حزب‌الله و اسرائیل و مشخص شدن قدرت این گروه، موازنه پیشین دگرگون شد و به طور پیوسته شاهد تقویت نقش حزب‌الله در سیاست رسمی لبنان و سیاست‌های منطقه‌ای ایران بوده‌ایم.

با آغاز جنگ داخلی در سوریه و مداخله حزب‌الله در حمایت از بشار اسد، عربستان سعودی همراهی با سیاست خود در قبال سوریه، پیوسته خواهان خلع سلاح حزب‌الله و کاهش نقش سیاسی آن در لبنان بوده است؛ به طوری که از ارائه کمک‌های مالی خود به دولت‌هایی که با حضور وزرای عضو یا نزدیک به حزب‌الله تشکیل شده، خودداری کرده است. خواست خلع سلاح حزب‌الله، در کشوری که تمام گروه‌های سیاسی-مذهبی دارای بازوی نظامی هستند، عملاً به معنی حذف حزب‌الله از معادلات سیاسی لبنان است. عدم امکان تحقق خواست عربستان سعودی (و کشورهای غربی) یکی از دلایل انسداد سیاسی چند ساله در لبنان است. در شرایط فعلی، با توجه به تحریم‌هایی که به بهانه نقش حزب‌الله در لبنان بر نهادهای رسمی این کشور اعمال شده، احتمالاً احیای روابط ایران و عربستان سعودی کمکی به بهبود وضعیت اقتصاد ورشکسته لبنان نخواهد کرد و شاهد تداوم اختلافات گروه‌های داخلی خواهیم بود.^۱

• یمن

نگرانی از شکل‌گیری یک سازمان سیاسی-نظامی همچون حزب‌الله لبنان در میان حوثی‌های یمن، عمده‌ترین نگرانی عربستان سعودی پس از سقوط دولت «علی عبدالله صالح» بوده است. با طولانی شدن جنگ در یمن، کشیده شدن آن به خاک عربستان سعودی و هدف قرار گرفتن مراکز استراتژیک عربستان سعودی توسط انصارالله اتهامات این کشور به تهران مبنی بر دخالت در جنگ یمن و تسلیح انصارالله افزایش یافت؛ تا جایی که ریاض انگشت اتهام را پس از حمله به تأسیسات نفتی آرامکو در بقیق و خریص مستقیماً به سمت ایران نشانه گرفت.^۲

هر چند برخی تحلیل‌گران همواره بر این نکته تأکید داشته‌اند که عربستان سعودی در خصوص نقش ایران در یمن و میزان نفوذ تهران بر حوثی‌ها اغراق کرده یا دچار اشتباه است، پذیرش آتش‌بس و صلح

1- Harb, Imad K, Lebanon and Syria and the Saudi-Iran Détente, Arab Center Washington DC, Mar 2023

2-The Guardian, Saudi offers 'proof' of Iran's role in oil attack and urges US response, Sep 2019



توسط انصارالله همواره عمده‌ترین خواسته عربستان سعودی در مذاکرات با ایران بوده است. این دیدگاه عربستان سعودی ناشی از نگاه رهبران سعودی به کلیت جنگ یمن بوده است؛ از نظر ریاض انصارالله یک گروه نیابتی ایران بوده و جنگ با این گروه، در واقع جنگ با ایران است که در نزدیک‌ترین حلقه امنیتی این کشور (شبه جزیره عربی) در جریان است؛ به همین دلیل صلح در یمن از مسیر تهران می‌گذرد.

تنش‌زدایی و عادی‌سازی روابط ایران و عربستان سعودی می‌تواند نقش موثری در عدول ریاض و صنعا از شروط حداکثری خود داشته باشد؛ هر چند یمن در عرصه داخلی میدان پیچیده‌ای از رقابت‌ها و دشمنی‌های سیاسی-اجتماعی است و به همین دلیل آتش‌بس و صلح انصارالله و عربستان سعودی الزاما به ثبات در این کشور منجر نخواهد شد.

• اسرائیل

در سال‌های اخیر هم‌زمان با افزایش تنش‌ها میان ایران و اسرائیل از یک سو و ایران و عربستان سعودی از سوی دیگر، شاهد نزدیک شدن عربستان سعودی به اسرائیل بوده‌ایم. هر چند عربستان سعودی برخلاف امارات متحده عربی، بحرین، مراکش و سودان در قالب توافقات صلح ابراهیم، وارد مسیر عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل و به رسمیت‌شناسی آن نشده است، مناسبات و همکاری‌های امنیتی دو طرف در جریان بوده و مقام‌های دو طرف در بالاترین سطوح دیدارهایی را داشته‌اند. اگر چه عربستان سعودی به عنوان مدعی رهبری جهان اسلام و عرب و مبتکر طرح صلح عربی (عادی‌سازی روابط به شرط تشکیل دولت مستقل فلسطینی به پایتختی قدس شرقی) محدودیت‌ها جدی در خصوص عادی‌سازی روابط با اسرائیل دارد، هم‌نهستی منافع دو طرف در خصوص ایران در سال‌های اخیر مهم‌ترین دلیل همکاری‌های امنیتی ریاض-تل‌آویو دانسته شده است.

احیای روابط ایران و عربستان سعودی، چنانچه به ایجاد سازوکارهایی برای کنترل سطح تنش‌ها و حل‌وفصل اختلافات منجر شود و هم‌زمان شدن احیای روابط ایران و عربستان سعودی با اقدامات تهاجمی کابینه راست افراطی اسرائیل علیه فلسطینی‌ها بالقوه می‌تواند از اقدام عربستان سعودی برای عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل جلوگیری کند.

• ایالات متحده

عربستان سعودی همواره یک متحد استراتژیک آمریکا در منطقه خاورمیانه و یکی از محورهای اصلی سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا بوده است و این مناسبات را به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای خود برای موازنه‌دهی در برابر ایران در سطح منطقه می‌داند؛ موضوعی که به خودی خود سبب تلقی امنیتی ایران از عربستان

سعودی و فهم این کشور به عنوان یک دشمن شده است؛ به ویژه اینکه رهبران ایران همواره تفسیری یک دست از نظم ژئوپلیتیک منطقه داشته‌اند که در آن رقابت/ جنگ اصلی با آمریکا بوده و تمام رقبا/ مخالفان/ دشمنان در سطح منطقه نماینده/ دست‌نشانده/ ابزار آمریکا هستند. در این دیدگاه هر گونه رقابت و تنش میان ایران و عربستان سعودی، نه به عنوان روال طبیعی مناسبات دو کشور مهم منطقه در سیاست بین‌الملل، بلکه به عنوان یک تهدید منافع حیاتی و امنیت وجودی درک می‌شود.

چنان که گفتیم، عربستان سعودی ماهیت روابط خود با آمریکا و دشمنی ایران با این کشور را یکی از مهم‌ترین عوامل توازن در خلیج فارس می‌نگرد و هر گونه تغییر مثبت در روابط ایران و آمریکا را تهدیدی علیه خود ارزیابی می‌کند؛ این نگاه سبب شد تا پس از توافق برجام، عربستان سعودی در کنار امارات متحده عربی و اسرائیل از محدود بازیگران مخالف توافق ایران و ۵+۱ باشد. قدرت لابی این سه بازیگر نقش موثری در تصمیم نهایی رئیس‌جمهور پیشین آمریکا برای خروج از برجام در سال ۲۰۱۸ و اعمال مجدد تحریم‌ها علیه ایران داشت.

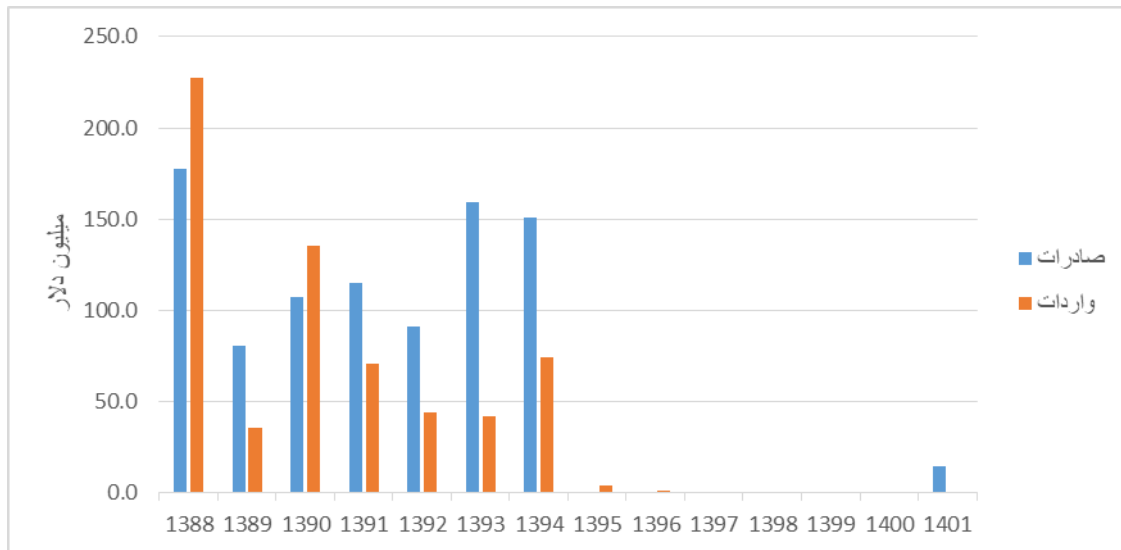
هر چند در سال‌های اخیر اولا نشانه‌های جدی از اختلاف میان عربستان سعودی و آمریکا بر سر مسائلی همچون جنگ یمن، سرکوب داخلی در این کشور، سیاست‌های نفتی و توسعه روابط عربستان سعودی با چین وجود داشته است، در ثانی این اختلافات از یک سو و مشخص شدن محدودیت‌های عربستان سعودی در منطقه از سوی دیگر به کاهش اهمیت استراتژیک عربستان سعودی در واشنگتن منجر شده است و ثالثاً به ویژه از سال ۲۰۱۹ سوالات مهمی در خصوص میزان تعهد آمریکا به خاورمیانه به طور عام و امنیت عربستان سعودی به شکل خاص برای رهبران سعودی ایجاد شده است^۱، اما به نظر نمی‌رسد که در میان مدت تغییر جدی در ماهیت روابط و اهمیت استراتژیک آن برای دو کشور روی دهد.

توجه به چالش‌های ژئوپلیتیک دو کشور که در بالا به آنها اشاره شد از آن رو اهمیت دارد که روابط ایران و عربستان سعودی همواره تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیک و نگاه امنیتی دو طرف به یکدیگر بوده است؛ این مسئله سبب شده است روابط تجاری میان دو کشور، حتی پیش از قطع روابط دو کشور نیز در مقایسه با روابط تجاری ایران با سایر کشورهای منطقه (به جز بحرین) رقم قابل توجهی نباشد. نمودارهای زیر حجم و ارزش دلاری تجارت ایران و عربستان را نشان می‌دهد.^۲

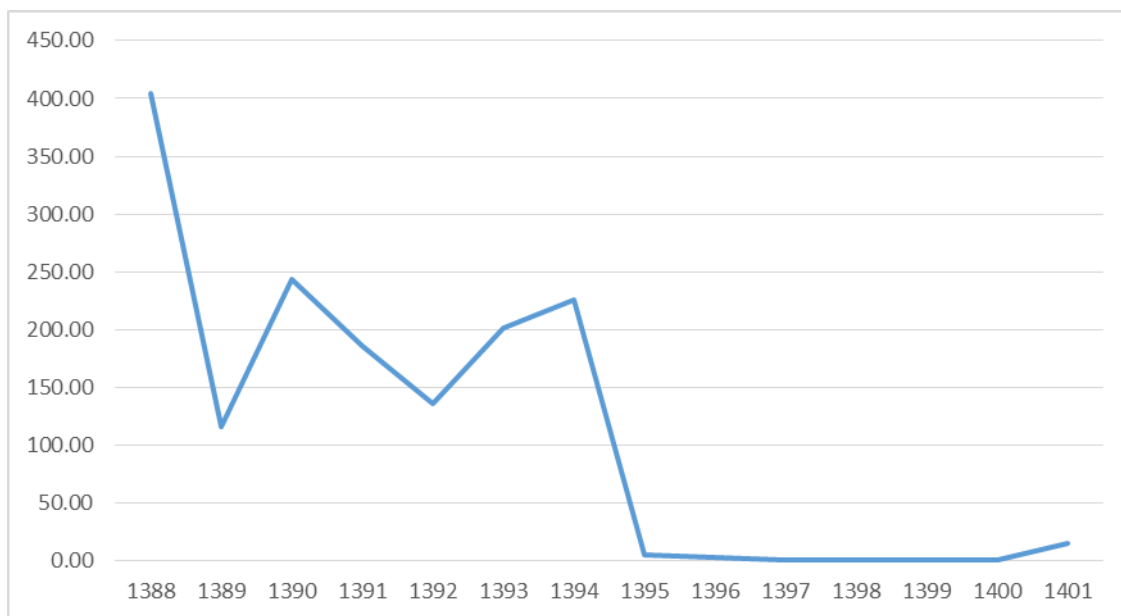
1- Saab, Bilal Y, After Oil-for-Security: A Blueprint for Resetting US-Saudi Security Relations, Middle East Institute, February 2023

۲- اتاق بازرگانی ایران

نمودار ۱- روابط تجاری میان ایران و عربستان سعودی بین سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۱



نمودار ۲- ارزش تجارت ایران و عربستان سعودی (میلیون دلار)



منبع: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

نمودارهای بالا ارزش دلاری تجارت ایران و عربستان را در بازه ۱۳۸۸-۱۴۰۱ نشان می‌دهد. بر اساس این نمودار می‌توان افت شدید حجم تجارت ایران و عربستان در سال ۱۳۸۹ را بیش از هر چیز ناشی از افزایش تحریم‌های عموماً یک‌جانبه ایالات متحده علیه ایران مربوط دانست؛ هر چند در سال ۱۳۹۰ با افزایش نسبی حجم تجارت دوجانبه ایران و عربستان روبه‌رو بوده‌ایم، با این وجود کاهش در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، تقریباً ارزش تجارت دو کشور را به همان حدود سال ۱۳۸۹ بازگردانده است. از سوی دیگر هر چند

در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴، احتمالاً دست‌کم تا حدودی تحت تأثیر رویکردهای دولت یازدهم با افزایش نسبی (و اندک) تجارت دو کشور روبه‌رو بوده‌ایم، با این حال حمله به سفارت عربستان و قطع روابط دو کشور این تجارت را از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ به صفر رسانده است.

هر چند با احیای روابط ایران و عربستان از سطح تنش‌ها کاسته خواهد شد، اما نشانه‌ای از تغییرات اساسی در نگاه امنیتی دو کشور نسبت به یکدیگر وجود ندارد. مادامی که دو کشور در روابط سیاسی و امنیتی خود فراتر از برقراری روابط، تغییرات اساسی و ایجاد نکنند و در مورد پرونده‌های کلیدی منطقه‌ای به نوعی تفاهم دست نیابند، سایه ژئوپلیتیک بر روابط ژئواکونومیک دو کشور سنگین خواهد بود.

جمع‌بندی و توصیه‌های سیاست‌گذاری

در این پژوهش توضیح داده شد که عربستان سعودی و ایران، چه پتانسیل‌هایی برای همکاری‌های اقتصادی به لحاظ نهادی دارند. وابستگی عربستان سعودی به نفت سبب ضعف‌های ساختاری خاصی همچون نرخ بالای بیکاری در میان اتباع سعودی است. دولت سعودی با هدف غلبه بر این چالش‌های ساختاری، در سال ۲۰۱۶ «چشم‌انداز ۲۰۳۰» را معرفی کرد. این چشم‌انداز در واقع یک استراتژی جامع برای نوسازی و تنوع‌بخشی به اقتصاد عربستان است و طیف گسترده‌ای از سیاست‌ها شامل ایجاد شغل در بخش خصوصی برای شهروندان سعودی، افزایش سهم زنان در نیروی کار، حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط، افزایش سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرنفتی و ترویج صادرات این دسته از محصولات را در بر می‌گیرد.

خصوصی‌سازی دارایی‌ها و خدمات دولتی، مقررات‌زدایی از بازار انرژی و اصلاح قیمت انرژی و آب، بهبود فضای کسب‌وکار برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی و توسعه زیرساخت‌های جدید را شامل می‌شود. جهت‌گیری کلی سیاست تجاری عربستان سعودی و سیاست‌های تجاری و اقتصادی اخیر این کشور از جمله ساده‌سازی رویه‌های گمرکی، سطح عموماً پایین عوارض واردات، حذف محدودیت‌های سرمایه‌گذاری خارجی و معرفی سیاست جدید برای ارتقای صادرات، نشان‌دهنده گشودگی عربستان سعودی در برابر تجارت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری خارجی است. از سوی دیگر، عربستان سعودی تأکید ویژه‌ای بر «بومی‌سازی» و اتخاذ سیاست‌های صنعتی برای بخش‌های خاص با هدف توسعه صنعتی کشور دارد که بنا بر ارزیابی سازمان تجارت جهانی می‌تواند اثرات مخرب بالقوه‌ای بر تجارت و تخصیص منابع داشته باشد.

چنان که اشاره شد، افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی، چه خارجی و چه داخلی، عنصر کلیدی استراتژی عربستان سعودی برای تنوع‌بخشی به اقتصاد، ایجاد اشتغال و دستیابی به توسعه پایدار است. در این میان برخی از بخش‌ها به‌عنوان حوزه‌های اولویت‌دار و پیش‌ران برای سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی شناسایی



شده‌اند که عبارتند از: ۱) حمل‌ونقل و لجستیک، ۲) فناوری اطلاعات و ارتباطات (۳) سلامت و بیوتکنولوژی، ۴) آموزش و پرورش، ۵) گردشگری، ۶) سرگرمی، ۷) صنعت (معادن و تولید) و ۷) انرژی‌های تجدیدپذیر.^۱

در دیپلماسی اقتصادی نوین عربستان سعودی اتصال به زنجیره های جهانی ارزش، بهبود محیط برای جذب سرمایه و توسعه تجارت در کانون قرار گرفته اند. از لحاظ جغرافیایی شورای همکاری خلیج فارس همچنان مهمترین اولویت عربستان سعودی در دیپلماسی اقتصادی محسوب می‌شود و این کشور می‌کوشد تا ضمن حفظ نقش رهبری در این شورا فرآیند گسترش اتصالات با کشورها و مناطق دیگر در چارچوب موافقتنامه های تجارت آزاد را از طریق این شورا به پیش ببرد. افزون بر این بهره گیری از موقعیت ژئواکونومیک عربستان سعودی به عنوان حلقه وصل جریان های تجاری جهانی نیز در دیپلماسی اقتصادی این کشور اولویت یافته است. چشم انداز ۲۰۳۰ و دیپلماسی اقتصادی طراحی شده بر مبنای آن نمادهای کوشش محمد بن سلمان برای شکل دهی به عربستان سعودی جدید است، عربستانی که در ژئواکونومی منطقه از موقعیت برتر برخوردار باشد و در پهنه جهانی به یکی از قطب های اقتصادی بدل شود.

بنابراین ایران در شرایطی روابط خود با عربستان سعودی را احیا می‌کند که این کشور استراتژی توسعه اقتصادی خود را دگرگون کرده است، برنامه های بلندپروازانه ای برای شکل دهی به اقتصادی جدید در دست اجرا دارد و اولویت های جدیدی با محوریت تنیدن این کشور در حلقه های بالایی زنجیره های جهانی ارزش در دستور کار دارد. توجه به مختصات جدید اقتصاد سیاسی عربستان سعودی برای تدوین نقشه راه توسعه روابط دو کشور ضرورت دارد. در این راستا ایران می‌تواند منافع خود را به پیشبرد راهبرد ۲۰۳۰ عربستان سعودی پیوند دهد و در بخش هایی که منافع مشترکی با این کشور دارد پیشنهادهایی به این کشور ارائه نماید. در عالم نظر سه نقش می‌توان در دیپلماسی اقتصادی ایران برای عربستان سعودی قائل شد: منبع فناوری، منبع سرمایه و بازار قابل توجه. بدیهی است که عربستان سعودی نمی‌تواند منبع فناوری باشد، اما این کشور پتانسیل های بسیاری برای ایفای نقش به عنوان سرمایه گذار در اقتصاد ایران دارد و واجد بازار مهمی است. در کوتاه مدت و در شرایطی که دو کشور در مرحله "تعامل" قرار دارند تمرکز باید بر بازار عربستان سعودی باشد و در تدوین نقشه راه، توسعه روابط تجاری در اولویت قرار گیرد. توسعه تعاملات در حوزه سرمایه گذاری در میان مدت و در مرحله "تفاهم" امکان پذیر است.

اشاره شد که یکی از راهبردهای جدید اقتصاد عربستان سعودی برای نیل به اهداف چشم انداز ۲۰۳۰، تبدیل شدن به هاب لجستیک میان آفریقا، اروپا و آسیا است. عربستان سعودی می‌تواند مسیر مناسبی برای دسترسی آسانتر ایران به آفریقا باشد. از طرف دیگر ایران می‌تواند از طریق کریدور شمال-جنوب

مسیر بهینه و مناسب برای دسترسی عربستان سعودی به اقتصاد های آسیای مرکزی و اقتصاد روسیه باشد. بنابراین دو کشور در حوزه لجستیک دارای منافع مشترکی هستند

در حوزه سرمایه گذاری، عربستان سعودی در سال های اخیر به بازیگری کلیدی در تامین مالی و سرمایه گذاری در خاورمیانه و شمال آفریقا و فراتر از آن بدل شده است. در میان مدت این کشور از توانمندی های بسیاری برای سرمایه گذاری در اقتصاد ایران نیز برخوردار است. اما در کوتاه مدت تمرکز بر جذب سرمایه از این کشور احتمالاً به نتیجه نخواهد رسید. در حوزه همکاری های صنعتی همانگونه که اشاره شد، تجهیزات و ماشین آلات، منابع انرژی تجدیدپذیر؛ تولید دارو؛ لوازم پزشکی؛ بخش خودرو؛ صنایع مرتبط با نفت و گاز؛ فرآوری مواد غذایی؛ صنعت هوانوردی و صنایع نظامی واجد اولویت هستند. بنابراین همکاری های صنعتی ایران و عربستان سعودی می تواند بر محوریت این صنایع سامان یابد.

افزون بر این اشاره شد که ایجاد مناطق ویژه اقتصادی در سال های اخیر برای این کشور اولویت یافته است ایجاد مناطق تجارت آزاد مشترک و مناطق ویژه اقتصادی مشترک را می توان به عنوان یکی دیگر از حوزه های منافع مشترک دو کشور تلقی کرد.

در حوزه آزادسازی تجاری و تجارت نهادینه، اشاره شد که عربستان سعودی علاقه چندانی به مناسبات تجاری دوجانبه ندارد و عمدتاً روابط تجاری خود با کشور ها را در قالب سازمان تجارت جهانی و قواعد تجارت آزاد کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به پیش می برد. احیای روابط با عربستان سعودی به عنوان مهمترین بازیگر در شورای همکاری خلیج فارس این فرصت بالقوه را برای ایران فراهم می آورد تا به تدریج مذاکرات تجارت آزاد با شورای همکاری خلیج فارس را آغاز نماید. به دیگر سخن ایران می تواند از موقعیت و پتانسیل عربستان سعودی برای پیشبرد تدریجی موافقتنامه جدید تجارت آزاد با کلیت شورای همکاری خلیج فارس بهره گیرد.